

Library in Hannover

نابود باد امر تا کسم جهان
سرکردگی امیرالایم امریکا
ویاگاد داخلیش

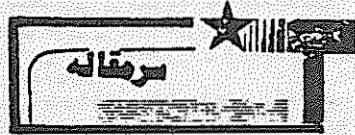
کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

صفحه ۴۰

جهان سبند ۷ بهمن ماه ۱۳۶۰

سال سوم - شماره ۱۴۵



بن بست مجاهدین خلق وراه حل انقلابی برون رفت از آن

نخستین گمگردد سازمان نیوه بر خورده
به اجرات و بارمانهای سیاسی از حاکمیت
دمکراتهای انقلابی را منحصر نمود.
سازمان مجاهدین بود در آن زمان
حداقل بیرون ریا در انقلاب دمکراتیک
با معاهدین خلق و سایر نیروهای انقلابی
در جهت تکمیل یک جبهه اقدام نماید. کسی
از شروط این اتحاد قطع و گسست هرگز
نبودن معاهدین و اسرائیلیان -
نتایج که از بیبند و اتحاد معاهدین خلق
بالسراپها و خط و مشی انحرافی و
نا درست آنها بدست آمده است سرکشی
پوشیده نیست. اگر تا جدی بیست اقتصادانی
که در این رسته از سوی سازمانهای
انقلابی سرخط و مشی سازمان معاهدین
و اتحادیه ها و آشکار آنها بالسرالیه
مطرح میشد. نمیتوانست معاهدین را از
مسیری که در پیش گرفته اند باز دارد -
تا نسری قاطع سرخط و مشی آنها بر جای
نگذارد. امروز دیگر عواقب و نتایج
جس سیاسی نه تنها سولت -
بقیه در صفحه ۲

اختلافات تاکتیکی جناحهای هیئت حاکمه

و هر با رحل یک نهاد به تفاد دیگری
می نماند. ریشه تمام اختلافات و تنگنای
درونی هیئت حاکمه که مدتها در زیر بار
سرنگاه نزدیکتر می کند. در بحران
اقتصادی - اجتماعی حاکمه نهفته است
بحرانی که رژیم جمهوری اسلامی بنا بر
بقیه در صفحه ۱۴

سرورنگاههای مداوم و تشدید شده های
درون هیئت حاکمه یکی از خصوصیات بارز
رژیم جمهوری اسلامی طی سه سال گذشته
بوده است. و ما این پدیده را انعکاس -
بارزتنا قضا نیست که جامعه در عرصه های
مختلف با آنها روبروست. هر با رتفادهای
درونی هیئت حاکمه اوجی تازه می یابد.

سرکوب دکه داران ادامه سیاستهای ضد خلقی رژیم

است که شهرداری جمهوری اسلامی، این
اقدامات را در خدمت انقلاب دانسته و آن
افتخار میکنند. اما هیچگاه ساین سوال -
مکرر که از طرف هزاران دکه داران رودستفروشی
مطرح شده که با خراب کردن دکه ها و جلوگیری
کمی از کسب و کار فروشندگان حاکم
خیابان، آنها چه تا بدینگونه چگونه معاج
زن و فرزند خویش را تا زمین گسند با کسی
بقیه در صفحه ۱۵

از جندی بیش، لشکری متشکل از -
سپاهیان با سواران، با سواران کمبته ها -
ما مورین شهرتانی و شهرداری علیه خیسل
عظیمی از محرومترین اقشار جامعه یعنی
دکه داران بسج شده اند و هر روز با تمام
ما زویر جنگی! به حمله از آنان جمله دور
شده و با بولدور و رومبل و گلتک و با اتکا به
۳ - به خراب کردن و درهم شکستن بساط
این محرومین می پردازند. قابل توجه

زحمتکشان بستان در اسارت دور رژیم عراق و ایران

با فته اقتصادی و استحکام ارتش ما همتا
امریکایی و ضد خلقی رمانت دیگری ندارد.
هر روز که از جنگ ارتعاعی بین دو -
کشور می گذرد فحاشی که بر زحمتکشان
می گذردا بعدی و وحشتناک تره خود -
می گیرد. در این میان آنچه بر زحمتکشان
بستان رفته و می رود سببنا گفته: دیگری
است که از زاویه های متفاوت حکایت از
عق فاجعه می نماید.
بقیه در صفحه ۱۵

ماهیت جنگ ایران و عراق اگر در
ماه های اول شروع جنگ برای نوده ها
روشن نبود، در حال حاضر بر اکثریت
نوده ها پوشیده نیست. امروز دیگر بر سر
اکثریت نوده های زحمتکشان روشن شده که
حاکمیت از جنگ به عنوان بهترین بهانه
برای سرکوب مبارزین و جلوگیری از رشد
مبارزات خلق بهره می جوید. دیگر روشن
شده که ادما، جنگ جز افزایش فقر و فلاکت
نوده ها و جز دامن زدن به بحران تعمیق

ارزیابی ذهنیات توده ها صحت ۱۳۱۱

دواین شماره:

- حسن کارگری
- جنبش جهانی
- اخبار سپهر سانیها
- ضرورت حدانی دین و دولت

ایران، پرچمدار اوپک!

سراسر جهان و بخصوص در مقابل نفتی بسیار
بحث انگیزند. خبر فوق حکایت از آن
داشت که کشورهای عضو اوپک جداگانه
۶۰ سنت از بهای نفت خود خواهند گاست
و سخن جالب خیر این بود که ایران و کویت
به جداگانه ۶۰ سنت رعایت ندادند و عینا تنگه
در خیر آمده است. نفت سنگین ایران
و کویت از ۲۲/۳۰ به ۳۰ دلار گاست بافت
بقیه در صفحه ۸

پس از پایان آخرین اجلاس اوپک که
از ۱۷ الی ۲۰ آذر در ابوظبی برگزار شد،
خبرگزاری فرانسه و ولین خبر مربوط
به میزان کاهش قیمت کشورهای شرکت
کننده در کنفرانس فوق را به سراسر جهان
مخابره نمود. اما با وجودیکه از پیش بر همه
کسانی که با مسائل نفتی سروکار دارند،
متضح بود که قیمتتها تا حدودی شکسته خواهد
شد، لیک با اینهمه نفتی از این خیر در

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

بن بست مجاهدین خلق

بقیه از صفحه ۱

دمکراتیک ایران نبوده است، بلکه عملاً مجاهدین خلق را بیک بن بست سیاسی کشانده است که علائم بروز آن از هم اکنون آشکار شده است.

شکاف نحرافات و اختیاراتی که مجاهدین خلق بویژه طی شش ماه گذشته مرتکب شده اند، ریشه در آنجا دارند. بنا بر اساس بورژوازی لیبرال دارد. بیونتی که زمینه های آن بنا به خصوصیت طبقاتی مجاهدین خلق از همان فردای قیام خود را مکرر در خط و مشی مجاهدین نشان داده است. برای اینکه زمینه های جنین بیونتی را نشان دهیم لازم است که بگذریم با آنکه در نیمه و شیوه برخورد آنها را به جناحهای هیئت حاکمه مورد بررسی قرار دهیم.

همانگونه که میدانیم با قیام بهمن ماه قدرت سیاسی در دست ارگان سازشی مرکب از نمایندگان بورژوازی و خرده بورژوازی قرار گرفت که در این ارگان نقش اصلی را دو جناح بورژوازی متوسط یعنی لیبرالها و کلریکا لها بر عهده داشتند. در میان سازمان های انقلابی تحلیل کمابیش واحدی از ماهیت طبقاتی لیبرالها وجود داشت، اما در مورد جناح دیگر نظرات گوناگونی پدید آمد. مجاهدین خلق این جناح را نمایندگان خرده بورژوازی و آبگرا از برای نمودند و غیره تحلیل با درستی که از ما هست طبقاتی بن جناح ارائه میدادند، در ارزیابی این مسئله که به تدریج این جناح نقش مسلط را در حاکمیت کسب خواهد کرد به نتایج درستی دست یافتند. اما نتوانستند در سوال جناح دیگر یعنی لیبرالها سیاست درستی اتخاذ نمایند. مجاهدین خلق در آن زمان نوشتند:

... خصائص ارتجاعی در حال حاضر کاتال مقدّم امپریالیسم برای نفوذ و استقرار مجدد است. بنابراین مبارزه امپریالیسم در شرایط حاضر و در قدم اول از کاتال دمکراتیکم انقلابی میگذرد. قدمی که از لحاظ بطور ارگانیک با قدم لیبرال کمزادی همراه و متعاقب است (سین این متنحه را بشکل دیگری بیان کرده و می نویسند: "از آنجا گفته شد، نتیجه می گیریم کسسه مبارزه فدا ارتجاعی با مضمون فدا امپریالیستی که در بیک کلام در طلب کردن دمکراسی انقلابی خلاصه میشود، در این مرحله از رجحیت برخورد است (هتدار بیرامون جبروی و جین نائی - صفحه ۹)

مجاهدین خلق در آن هنگام به دو نکته درست اشاره می کردند که یکی تقدم تاکتیکی مبارزه با حزب جمهوری اسلامی در جهت مبارزه با امپریالیسم بود. دیگری اینکه این مبارزه بطور لاینفک و بطور ارگانیک با مبارزه علیه لیبرال - کمپرادورها همراه است. به بیان دیگر انقلابیون ایران بیایستی ضمن اینکه توده ها را از ماهیت فدا انقلابی هردو جناح آگاه نمیکردند. نس اینکه در جهت دمکراسی انقلابی (کدلتیم) موجودیت لیبرالها در تئوریا قیامت (مبارزه مینمودند، اما هیچگاه نمیایستی در مورد لیبرالها توهمی ایجاد نکنند. مجاهدین خلستان نتوانستند بی سیاست زاندرستی پیش

برند و در عمل و در موارد بسیار از هموستی با لیبرالها تا اتحاد آنها کشیده شدند.

مجاهدین خلق کدیگ درک طبقاتی از ارتجاع و دمکراسی و بیوند میان مبارزه فدا امپریالیستی و مبارزه برای دمکراسی نداشتند، به تدریج جنبه های طبقاتی مبارزه برای دمکراسی را فراموش کردند و در این زمینه حتی در مبارزه با حزب جمهوری اسلامی حاضر به همکاری و اتحاد با لیبرالها شدند.

می توان گفت که به غیر از انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری که با یوزسیون انقلابی در یکطرف و لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در سوی دیگر قرار گرفتند، در جنبه موارد همواره یک اتحاد عمل آشکار و پنهان میان مجاهدین خلق با لیبرالها وجود داشته است. مجاهدین که تا درک تقدم تاکتیکی مبارزه با حزب جمهوری اسلامی با فشاری روی دمکراسی توانسته بودند، توده های وسیعی را بسیج کنند، با عدم روشن کردن خط و مرز خود با لیبرالها در میان مردم به توهّمات لیبرالی دامسین زدند. روشن است که یک جنبین سیاسی نمی توانست در ادامه خود به بیوند نزدیک هر چه بیشتر جدا شود و لیبرالها منحصر نگردد. آنها در پیرویه مبارزه با خط دمکراسی بعضی تکیه بر توده های مردم، مدام در جهت تقویت یک جنبه "تفاکدر میان بالاشیبا، یعنی تقویت لیبرالها گام برداشتند. در مبارزه ای که از فردای قیام در جامعه ما جریان داشته است، همواره از یک سو توده میان جنبه انقلاب (توده ها) و جنبه فدا انقلاب (بالاشیبا) و از سوی دیگر تضا های درونی فدا انقلاب با حدت تمام جریان داشته است. وظیفه انقلابیون در این شرایط چنین بوده است که در حالیکه تکیه اصلی خود را بر توده ها قرار می دهند، و در جهت تقویت جنبه انقلاب نام بر میدارند همواره میایستی از تضادهای درونی جنبه فدا انقلاب سودا انقلاب استفاده کنند. اما هیچگاه استفاده از تضادهای درونی فدا انقلاب به معنای تقویت یک جنبه از تضاد در بالاشیبا و نیست. بر این اساس میایستی از تضادهای که میان لیبرالها و کلریکا لها کی این مدت پدید آمد، حداکثر استفاده را به نفع جنبه انقلاب کرد. اما هیچگونه توهمی در مورد لیبرالها و یا تقویت یک جناح از آن مجاز نبوده و نیست. مثلاً هنگامیکه سیاستهای ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی در زمینه سلب حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی مسئله مبارزه برای دمکراسی و آزادیهای سیاسی را در دستور قرار داده بود و بییونتی نیز نه تنها به سرشت دیگران منش خود بلکه بخاطر تضادهای خود با حزب جمهوری اسلامی از آزادی و دمکراسی سخن می گفت، میایستی از این تضاد استفاده کرد، اما در همان حال آزادیخواهی دروغین او را افشا کرد.

مجاهدین خلق با لعن بعضی استفاده از این تضاد در جهت تقویت جنبه انقلاب بعضی تکیه بر تضادهای مردمی - جنبه فدا انقلاب، مدام کوشیدند که یک وجه تضاد در بالاشیبا را تقویت کنند. آنها نه تنها هیچگونه خط و مسرزی میان لیبرالیسم و دمکراسی ترسیم ننمودند، نه تنها به مردم توضیح ندادند که آزادیخواهی لیبرالها دروغین است و در مبارزه با جناح رقیب خود آزادیخواه شدند، بلکه تا آنجا بی رفتند که گفتند

بسی صد همان حداقل هائی را میخواهد که ما میخواهیم، و بر آنجا این سیاست نیز بنا نجا کشید که مجاهدین خلق همسایه تخم مرغیایشان را در یک سبد قرار دادند و آنرا هم در اختیار ربنی صد گذاشتند.

بسی صد فدا انقلابی که قهرمان "شورای شورا" قهرمان "سرکوب خلق کرد و قهرمان سرکوب خوین داننگهاها بود و در تمام این موارد همواره در کنار جناح فدا انقلابی دیگر قرار داشت هنگامیکه در تضاد با جناح دیگر احساس کرد که کم کم با جدا شدن از جناح خود به بیگانه از آنجا خواهد بود صورت نزدیکتری متحد مجاهدین خلق در آمد.

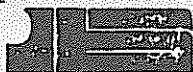
مجاهدین خلق نیز از آنجا که در میان لیبرالها به اتحاد درسی و آشکار با آنها رو آورید. هر آنچه این بیوند و اتحاد میان دمکراسی خرده بورژوازی و لیبرالیسم بورژوازی بیشتر آشکار شد، بهمان میزان نیز تا شر خود را بر تاکتیکیها و بر توده های مجاهدین خلق - سر - جای گذاشت. مجاهدین خلق که به عنوان دمکرات انقلابی میایستی به توده های مردم و جنبش انقلابی خلق تکیه کنند، اکنون در تضاد با جنبی از بورژوازی - بیخالی قیسه قدرت از بالا افتادند. آنها که تا مدت ها با یک درک درست شرایط به نفع بسیار جالبی در جهت تدارک سیاسی و نظامی برای قیام توده ای تدارک دیده بودند، اکنون بیکر افتادند که با تکیه بر بخشهای از ارگانهای سرکوب مادی و معنوی رژیم، یعنی بخشهای از ارتش و دیگر نهاد های سرکوب، و نیز بیخالی از روحانیت و نیروی سازمان نیافته خود (که میایستی در خدمت قیام توده ای قرار گیرد)، قیام را آغاز کنند و بیونتی حضور توده ها قدر ترا قیسه کنند. مجاهدین خلق دیگری توده ها و قیام آنها نیازی نداشتند، و تاکتیگ قیسه قدرت از بالا به صورت تاکتیگ اصلی مجاهدین در آمد.

اکنون دیگر بر سه روش است که مجاهدین خلق میخواستند در مورد تکیه تمام مسران حکومتی در افکار در جهت حزب جمهوری اسلامی گشته شد، به کمیته ها و مراکز حساس رژیم حمله کرده و کار آنرا بیکر نمایانند. از آن پس نیز تمام تاکتیکیهای مجاهدین در راستای تاکتیکیهای جدا از توده سوئی داده شده است.

روشن است که یک جنبین اتحاد دو سبک چنین تاکتیکیهای، به برنام مناسبت خود که ما را میثاق بورژوا - فرمیستی بنی صدر بود، و بنا زد داشت. میثاقی که ربطی به خواستهای مردم نداشت، نه از تحقق خواستهای اساسی مردم در آن سخنی به میان آمده بود، نه از مبارزه با امپریالیسم، نه از نابودی ارگانهای ستدگری رژیم و ایحاد ارگانهای اقتدار توده ای و ... مسعود رجوی در اولین مصاحبه خود با بی سی در حالیکه از پاسداران سخن با نرفت با دمیکند، در مورد ماهیت ارتش سکوت می نماید - تنها با بی سنده میکنند که در ارتش پرسنل مردمی و انقلابی بسیار وجود دارد. بنا بر این اتحاد عمل بنیان و آشکار مجاهدین خلق با لیبرالها از فدراسی قیام به اتحاد درسی و آشکار آید در شورای مفاد و مت می انجامد. بر اساس این اتحاد تاکتیگ قیسه قدرت از بالا بگریز تاکتیکیهای بسیج توده ای و تکیه به توده می گردد، و بر توده دمکراسی -

بقیه در صفحه ۸

هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی



مبارزات قهرمانانه کارگران ایران یاسا، علیه سرکوب و اختناق

جنبش کارگری



مربوط به شرکت تعاونی است و نشان می‌دهد که مانع پیشرفت کارگران و کارخانه کیست؟ خود در پاسخ داد: «افراد کمی که نمی‌گذارند در این کارخانه شورا تشکیل شود. آقایان کارگرا در حال حاضر شرکت تعاونی کارخانه یک میلیون و سیصد هزار ریال کسب کرده‌اند و این کسری از جانب شما کارگران برداشته شده است. ما امروز پیش آقای بینگاله رفتیم و جریان شرکت تعاونی را مطرح کردیم. آقای بینگاله گفت این اسناد را ما بدهید تا روی آنها کار بررسی کنیم اما ما در جواب ایشان گفتیم ما به مدیریت کارخانه اعتمادی نداریم و اسناد در جلسه‌ای با حضور کارگران به شما نشان خواهیم داد. سخنان آنها چون بتکی بفرق مدیر و حزب الهی‌ها می‌گویی. بینگاله که تا کنون بر جای می‌نخکوب شده بود، مذبحخانه تلافی می‌کرد مانع ادا مه جلسه بود، او در حالیکه می‌گویی یا از دست این کارگر مبارز می‌گرفت گفت من فکری ندارم امروز نتیجه‌ای بگیریم چون دیر شده است ساعت ۳/۵ است بهترین است برویم. روز دیگری جلسه خواهیم داشت. اما فریاد خشمگین کارگران او را عفراند. بکنفرانس جمعیت فریاد زد: اگر تانت هم‌ما هم تا و زعمان روشن نشود از اینجا خارج خواهیم شد. و سایرین گفته، او را تاشد کردند و از کارگرتعاونی خواستند که اسناد را بخواند اما او که سواد کمی داشت از سایرین خواست که سندها را بخوانند. در اینجا بینگاله که کنار او ایستاده بود از فرصت استفاده کرده و گفت: «بدهید من بخوانم» اما این کارگربه و گفت: «بخش ما زحمت نکنید» و اسناد را برای خواندن به یکی از کارگران داد. سکوت سالن را فرا گرفته بود. کارگران تمام وجودشان گوش شده بودند. اسناد نشان میداد که چند تن از حزب الهی - ها هر یک مبلغی حدودی هزار تومان از شرکت تعاونی برداشت کرده‌اند. بهر از خواندن اسناد، کارگران که برای اطلاع دقیق سرابا سکوت بودند، اینک یکباره فریاد شدند. در یک لحظه سالن از پیساده آنها به لرزه درآمد، آنان در حالیکه حزب الهی‌ها را نشان میدادند با مشت‌های گره کرده فریاد می‌زدند: «مرگ بر منافق، مرگ بر آمریکا» آنان با این شیوه نشان میدادند که خوبی میدانند و از انقلاب عقبه در صفحه ۴

بخصوص که با شدت یافتن جواختناق، گریایی و سایر مشکلات ضرورت تشکیل شورا را بیشتر حس می‌کردند. آنها حرکت چشمگیری نداشتند اما زمره‌های اعتراضی وجود داشتند. زمره‌هایی که میرفت تا به اعتراضات آشکار تبدیل شود، اعتراض علیه گرانسی، علیه فقر، علیه فساد و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و ابادی حزب الهی این کارخانه. اعتراضی که سایر هم‌زنجیران... شان را نیز به همکاری و تسبیحی مشترک فرامی‌خواند.

سرور حورعی و وحشت بدلیل گسترش فقر و فلاکت و افزایش نا رضایتی‌هایی اثر می‌گردد. کارگران ایران با هم‌چنان راه چاره را تشکیل شورا و مبارزه حول آن می‌دانند. روز دوشنبه ۶۰/۹/۹۹ این خبر در دهان به دهان می‌گشت و اوج دوباره... مبارزه را بنویسید. ساعت ۲ جلسه داریم کارگران شصت صبح سر ساعت ۲ همگامی دست آرکا رکنیدند. آنان قصد داشتند تمام نیروی ذخیره شده در این مدت را برای عقب راندن یا دی رژیم بکار گیرند. حدود ۳۵۰ تن کارگرمیچ کار در سالن کارخانه جمع شدند و از بینگاله (رئیس هیئت مدیره) خواستند که برای پاسخگویی... ما نشان حضور باشد. بینگاله که با چهره‌های خشمگین و مصمم کارگران روبرو شده بود سعی کرد با سخنانش مسیر جلسه را عوض کند، او پس از خواندن چند سوره و صلوات فرستاد گفت «برادران از اینکه اینجا جمع شده و قصد دارید با ما صحبت کنید از شما ممنونم، اما منظورتان از جمع شدن چیست؟ مدت کوتاهی همه کارگران سکوت کرده و بهم‌نگاه می‌نگردند، با نگاه از هم می‌رسیدند چه کسی باید صحبت کند و چه بگوید؟ ما که نمی‌پنداریم انتخاب نکرده ایم. بینگاله دوباره پرسید چرا اینجا جمع شده‌اید در این موقع یکی از کارگران سکوت را شکسته و با صدای بلند فریاد زد: آقای بینگاله ما امروز خیلی حرفه‌ها داریم که بزیم صدای او مانند جرقه‌ای سالن را به انفجار کشیده از هر سو فریاد تا شنیدند. کارگران خوشحال از این مسئله که کارگرمیچ به پشت می‌گرفتند فریاد زدند. او در ادامه صحبتایش گفت: آقای بینگاله هدف ما از این جلسه تشکیل شورا برای کارخانه است، امروز میخواهیم خیلی چیزها را روشن کنیم. در مرحله اول میخواهیم نشان دهیم که در این کارخانه چه می‌گذرد. در اینجا ما بر کارگران نیز شروع به صحبت کردند. یکی از کارگران با صدای خشن فریاد زد: آقای بینگاله در این کارخانه کار دبه استخوان‌مان رسانده‌اند. چند نفر بنام حزب الله و انجمن اسلامی هر کاری دلشان می‌خواهد می‌کنند و هر کس بخواد دجلوشان را بگیرد صدای انقلاب با منافق میشود. چون آقایان با سبها به اندازه‌ای وسیع همکاری می‌کنند آقای بینگاله ما امروز میخواهیم همه اینها را روایت بریزیم. کارگرمیچ‌سری از شرکت تعاونی در حالیکه اسنادی را به کارگران نشان میداد گفت: «ما امروز بر نامه افشاکری داریم این اسناد...»

در شرایطی که رژیم سرمایه‌داران تمام تلاش خود را برای انحلال و نابودی شورا... های واقعی بکار بسته است، کارگران... ایران یاسا با مبارزه یکباره خود برای تشکیل شورای واقعی، پیشرفت میان سرمایه‌داران به لرزه درآوردند. آنان در تاریخ ۹/۹/۶۰ با تشکیل مجمع عمومی و به محاکمه کشیدن مدیران انجمن اسلامی حرکتشان را شروع نموده بودند، در تداوم حرکت خود به فضای اسنادی علیه مزدوران حزب الهی و تلاش برای اخراج آنان پرداختند. سپس هیات موسسی برای تشکیل شورای انقلابی ایجاد نمود و با اعتصاب یکروزه خود مبارزه برای تحقق خواسته‌هایشان را ادامه دادند.

در این کارخانه حدوداً ۷۰ نفر کارگر در وضعیت به کار مشغولند و تا بیرون‌سور سکلت، شلنگ و غیره تولید می‌کنند. پس از قیام شکوهمند ۵۷ فرار برخی از سرمایه‌داران این کارخانه نیز همانند بسیاری از اموال آزاد شده، خلق تحت پوشش صنایع ملی شده قرار گرفت و به اموال حاکمان ضد انقلابی جدید اضافه شد. هیئت مدیره ایران یاسا نیز پس از چندین تغییر، در حال حاضر به سرپرستی ضعیف بنام بینگاله کارخانه اداره می‌کند.

سابقه مبارزات کارگران به اواخر خرداد بر می‌گردد. یعنی زمان تشدید هجوم حاکمان مستضعفان به جنبش کارگری و شوراهایشان، حدوداً ماه پیش شورای کارخانه از سوی وزارت کار غیر... قانونی اعلام شد، و منحل گردید. کارگران به انحلال شورا اعتراض کرده و خواستار تشکیل مجدد آن شدند. وزارت کار در پاسخ به اعتراضات کارگران طی بخشنامه‌ای اعلام کرد که کارگران ایران یاسا به علت اعتراضات درونی این کارخانه حق تشکیل شورا بدون نظرو وزارت کار و انجمن اسلامی را ندارند. کارگران بدون توجه به تهدیدهای وزارت کار و حزب الهی‌ها... کارخانه هیئت موسسی مرکب از ۷ نفر برای تحقیق در مورد علل انحلال شورای قبلی و تشکیل شورای جدید انتخاب نمودند. اما هجوم ضد انقلاب آغاز گشته بود و کارگران بی‌سازمان و غیر منسجم توان مقابله با آن را نداشتند زیرا که کارگران ایران یاسا هم مستثنی از سایر توده‌های بی‌سازمان نبودند، جوهر و وحشت و ترور و دستگیری آنان را نیز به سکوت واداشت. حزب الهی‌های کارخانه که ارتباط نزدیکی با سرمایه‌داران منطقه داشتند از موقعیت استفاده کرده و به تهدید نمایندگان کارگران پرداختند. اعضای هیات موسسی نیز پس از مراجعات مکرر به وزارت کار در عمل دیدند که بدون حمایت فعال کارگران کاری از پیش نمی‌آید. بنابراین، با اواخر ۵۷ تن از اعضای هیئت موسسی تحت فشار حزب الهی‌ها ناچار به استعفا شدند و دو نفر باقی‌مانده هم... فعالیتی نداشتند. کارگران گوشه‌گنسار مسئله تشکیل شورا را پیگیری می‌کردند.

دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

مبارزات قهرمانانه کارگران ...

نقشه از صفحه ۲

و میره امیرالینم کیفیت فریادخشمگین کارگران بیانگرطلیبه های شکوهمند آگاهی و تشکل بود. آنان کلمات بسوج رژیم را که برای مرکزکشد بین توده ها و انقلابیون بکار گرفته میشد با مفهومسی نو، به بهره های خودش بر میگردد بدند .

نظم جلسه بهم خورده بود، جوکا ملا متشنج بود، یکی از حزب الهی ها غش کرد، در همین حال یکی از کارگران میکروفتن را بدست گرفته و ضمن اینکه با پیرین را دعوت به سکوت میکرد گفت: "تا وقتی ما شورا نداشته باشیم وضع بهمین شکل است ، ما باید شورا تشکیل دهیم تا بتوانیم جلوی این دزدبهارا بگیریم " سنگاله به رنگ بریده و لرزان مدام کارگران را به آراستن دعوت میکرد ، اما آنان بیروز - مندا نه در پی کسب تجارب بیشتر و بیشتر جمعیتی و تداوم جلساتشان بودند . یکی از میان جمع گفت : " امروز خیلی چیزها روشن شد ، ما باید هفته ای یکبار جلسه داشته باشیم تا بیشتر روشن شود ، بهمین دلیل جلسه بعدی ما روز سه شنبه همین - موقع خواهد بود . امیدوارم بتوانیم به خواستهایمان برسیم " کارگران با شعار " مرگ برضدانقلاب ، مرگ برامریکا ، " - سالن را ترک کردند . اما این شعار دیگری مفهوم تازه ای داشت همه میدانستند که منظور از "ضدانقلاب" و "امریکا"ی چه کسانی هستند .

پس از این جلسه در کارخانه ولولسه ای افتاده بود ، همه در مورد شورا و حزب الهی ها حرف میزدند . کارگران در همه جا به افشا حزب الهی ها پرداخته و تنها بیتا به ایسن تسخیر میشدند که با دیدن آنان را اخراج - نما بند . آنگاه طوماری برای اخراج - آنها تهیه شد و اکثر قریب به اتفاق - کارگران در شیفته آنرا امضاء کرده و برای ارائه به مجمع عمومی آینده آماده نمودند . روز دوشنبه ۶۵/۹/۱۶ دومین مجمع عمومی با شرکت کارگران دوشیفته تشکیل شد . ابتدا رئیس هیات مدیره (سنگاله) سعی کرد کنترل جلسه را بدست گیرد . او پس از چند طلمات گفت : " برادران در جلسه پیشی نتیجه ای از صحبتها گرفته نند "

اما کارگران به او اجازه ندادند صحبتش را ادامه دهد و یکی از آنها با صحبتها پیشی و نتیجه ، مورد توجه سرما به داران و عوام ملشان را نشان داد . او در حالیکه صحبت سنگاله را قطع میکرد گفت : " آقای سنگاله بطور نتیجه ای گرفته نند ، مسئله کارگران معلوم است ، آنها شورا میخواهند و بهمین دلیل جلسه گذاشتند امروز دیگر وقت زیادی نگیرید ، ما نما بنده انتخاب میکنیم تا شورا تشکیل شود " . در اینجاست سنگاله شروع به بهانه آوردن نمود و سعی کرد خود را پشت وزارت کار پنهان نماید . او پیشنهاد کرد که هیات مؤسسه انتخاب کرده و به وزارت کار و رفیر سندت تا با نظرسر وزارت کار شورا تشکیل شود . اما کارگران این تجربه را پشت سر گذاشته بودند و در این رابطه نقش وزارت کار را بعنوان حامی سرما به داران برایشان روشن کرده بود . آنان از اعضای هیات مؤسسه که حدود شش ماه - پیش تشکیل داده بودند خواستند که برای

اطلاع همه نتیجه تحقیقات و فعالیتهایمان برای تشکیل شورا ، را گزارش دهد . یکی از اعضای هیات مؤسسه توضیح داد که چگونه وزارت کار آنها را سردوانده و مدیریت نیز برخلاف ادعایش هیچ کمکی به آنها نکرده است . سپس در ادامه سخنانش گفت : " در نشستهای که با یکی از مسئولین وزارت کار داشتیم او می گفت که چون جوکارخانه - ایران با ما متشنج است وعده ای " نند - انقلاب " در کارخانه هستند بدون نظر - وزارت کار و انجمن اسلامی که خود توسط سپاه پاسداران ایجاد شده نمی توانید شورا - تشکیل دهید . حال این از شما می پرسم - " آیا پانی که در روزگار کار با سپاه پاسدارخانه نشسته اند از جا میتوانند برای ما شورا تشکیل دهند مگر ما در دوران شاه - برای تشکیل شورا به ژاندارمری می رفتیم و می گفتیم ما میخواهیم شورا درست کنیم بیاید رسیدگی کنید ؟ سنگاله که از - قاطعیت انقلابی کارگران بخود می لرزید با لحن ملتمسانه ای از کارگران درخواست که از مطرح این مسائل خودداری کرده و آرامش انقلابی خود را حفظ کنند . اما مساکارگران ایران با ما هر چه بیشتر خشم انقلابی خود را برای برهم زدن نظم و آراستن سرما به نشان میدادند . یکی از کارگران در مقابل تهدیدات ضمنی سنگاله گفت : " من خوب میدانم چه میگویم و از آخرش عاقبت این حرفها آنگاه هم ، آقای سنگاله ! شما در عرض این مدت چه حرکت مفیدی برای کارگران انجام داده اید ؟ سنگاله با - تفرغ و التماس از او میخواست که ایسن صحبت ها را تمام کند ، او می گفت : " آقای سنگاله این حرفها تون منطقی گلوله - میندازین " اما این کارگرمبارزات - به حمایت با پیرین به تنها جام انقلابی خود برای کسب سنگرهای بیشتر ادامه میداد .

او در پاسخ سنگاله گفت : " یارومی روم ، با زنگی زنگ ، اگر دهفتان خدمت به کارگر است ترسی نداری ، اگر شده جانت را هم در این راه میگذاری و اگر نمی توانی برای ما کاری کنی ما نندمدیرا ملها ی سابق خوش آمدی " سپس از تمام صحبتها ی ایسن نتیجه را گرفت که ما امروز هیات مؤسسه تشکیل میدیم تا به وضع شورا - رسیدگی کند و از این هیات میخواهیم که به وزارت کار بر خوروی حدی داشته باشد و اگر وزارت کار رتشتیب اثر نند خودمان میدانیم چکار کنیم " بدینال این صحبت - ها کارگران سه نفر را به عنوان هیات مؤسسه شورا انتخاب نمودند . اما محل مسئله شورا باعث فراموش شدن حزب الهی هسا و نقش مغرب آنها در کارخانه نشده بود . پس از این زمان مدیرعامل خواستند تا برای اخراج حزب الهی ها از کارخانه اقدام نمایند . مدیرعامل (سنگاله) با عجز و ناتوانی از کارگران میخواست که عجلانده تصمیم نگیرند چون ممکنست این فاسراد با حمایت نیروهای بیرون از کارخانه سرکارشان بازگردند . کارگران در جریان حرکتشان هر لحظه تجربه جدید و آگاهی تازه ای می یافتند . آنها خوبی - می دیدند که در چه جا چوب یک کارخانه نمیتوان ماند و بدون حمایت با پیرین کارگران نمیتوان کل رژیم را به زانو در آورد . و ضرورت وجودت نه تنها در یک کارخانه بلکه در کلیه کارخانه ها و بیسن همه کارگران و از جنکشان بخوبی خود را نشان میداد . اما ما همه اینها بسراری اخراج حزب الهی ها با فشاری می کردند .

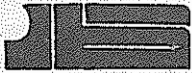
یکی از کارگران میگفت : " . . . اگر کسی گفته شد شما مسئول هستید چون افراد - مزبور اسلحه حمل می کنند ، شما باید بگذاریم با اسلحه وارد کارخانه شوند " و تنها بتنا تصویب شد تا موقعی که مسئله اخراج این افراد روشن شود کارگران مانع حاصل صلاح بشرون کارخانه شوند . در پایان جلسه زمان مجمع بندی یکشنبه آینده تعیین شد و کارگران پیروز مندا نه جلسه را ترک کردند .

مزدوران سرما به بدست و با افتادند . اگر کارگران به تشکل و اتحاد خود ادامه دهند؟ اگر خبر به سایر کارگران را نجات برسد؟ اگر کارگران کارخانه های دیگر از - رحمتکشان ایران با حمایت کنند و اعتماد سراسری شکل گیرد؟ اگر نیرو - های انقلابی کنترل و رهبری مبارزات را بدست گیرند؟ و اگر های دیگری که تا قوس مرگ سرما به داران و رژیم خا سی - اشان را در قاطعه ای نه چندان دور به صادر می آورد ، برای مقابله با تمام این " اگرها " یکراه بیشتر نمی مانسد . سرکوب ، آنها که مدتهاست تنها راه چاره را در اخراج و دستگیری ، اعدام و جلو - گیری از ارتباط نیروهای انقلابی با کارگران یافته اند ، اینها رنیز سعی می کنند با اخراج کارگران مبارز ایرانی با مسئله را قیله دهند . روز پنج شنبه ۹/۹/۶۵ کارگران هنگام ورود به کارخانه با لیسیت ۱۶ نفره اخراجها روپرو - میشوند . سه نفر از این ۱۶ نفر اعضای هیات مؤسسه و ۱۳ نفر بقیه افرادی - بودند که در جلسات بیشتر حرف زده بودند کارگران خشمگین از بیقرمی و قاحت مزدوران سرما به سرکار خا صر نشده و همگی جلوی اطاق مدیر جمع شدند و از او - خواستند علت اخراج همکارانشان را توضیح دهد . چند ساعت گذشت و همسری از مدیرعامل نشد و با اشاره پس از مدتی او و رئیس کارخانه با اس الکتریک - (کا توزیان ، گویا او قبلا مدیرعامل - ایران با ما بود . توسط کارگران - اخراج شده است) در جمع کارگرمبارزات حضور یافتند . مگر و حیلله های سنگاله کاتی نبود برای حیران بی کفایتی او

کا توزیان هم به کمکش آمده اما شخصی - مناسبتی را انتخاب نکرده بودند ، کارگران کا توزیان را خوب میشناختند . کا توزیان پس از مدتی صحبت از کارگران خواست که احساس مسئولیت کنند و سخنان امام را بکار بسته و تاملند را لایسرنند ، اما از علت اخراج صحبتی نکرد . یکی از کارگران - فریاد زد : " آقای کا توزیان شما سخنپوشی خوبی هستید اما شنونده نیستید " و سایرین با شلیک خنده حرف او را تاشیدند نمودند . کا توزیان که مدید حنا بش پیش کارگران رنگی ندارد ، سخنانش را تمام کرده و به اطاقش رفت . او از کارگرمبارزات خواست که چند نما بنده برای رسیدگی به وضع اخراجی ها و صحبت با او انتخاب کنند . آنروز کارگران شیفته صبح اعصاب کردند و شیفته شب نیز با یک ساعت تاخیر کار را شروع نمودند . دوروز بعد دفتر از نما بنده کار کارگران نزد مدیرعامل رفتند و پس از مدتی صحبت مدیرعامل - یک کام عقب نشسته و می پذیرد که به نفسر عضو هیات مؤسسه " سن موقتاً " به کارخسود بازگردند و در مورد بقیه هم منتظر تشکیل دادگاه !! و روشن شدن جرم آنها باشند .

بقیه در صفحه ۱۲

رهبری طبقه کارگرمبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است



ضرورت جدائی دین و دولت

بخش آخر

کمونیت ها در باره دین و ارتباط آن با دولت چه می اندیشند و با آن چگونه رفتار می کنند؟ اما بی این ندیده و کردار بهنگام بی ریزی نخستین شالوده های کمونیت علمی تدوین شده است. مارکس در یکی از نخستین آثار مهم خویش به نام نقد فلسفه هگلی حق (نوشته ۱۸۴۴) به صراحت میگوید "دین آه دل انسان ستم زده است، دل دنیای سنگدل است، همین که روح شرایط بی روح است، دین آفیون مردم است" (تاکید ما) ... الفتای دین به مثابه خوشبختی وهم آلود مسردم، در حکم خواستاری خوشبختی حقیقی آنان است. مارکس جوان در اثری به نام "مسئله یهود" (۱۸۴۳) درباره ارتباط دین و دولت ابراز می کند که رها نشی سیاسی یهود، مسیحی و به طور کلی هر انسان متدین، درگرو - رها نشی دولت از قید یهودی گری، مسیحی - گری و به طور کلی از قید دین است. دولت به شکل خاص و شیوه ویژه خود، در مقام دولت، خود را در صورتی از قید دین خلاص می کند که از قید دین دولتی خلاص شود. به این معنی که به عنوان دولت هیچ - دینی را به رسمیت نشناختد، بلکه برعکس خود را به عنوان دولت (فارغ از دین) معرفی کند.

به سخن دیگر آنچه از این دو نقل قول بر می آید روشنی نظر ما رکن است در این باره که "دین آفیون مردم است" و دولت باید از دین فارغ باشد. و اکنون که در این سرزمین، جهان سیاست و جهان دین چنان درهم آمیخته اند که حتی عادی ترین مردم کوجه و یا زارمیان ایندو تفاهتی نمی بینند این بیان مارکس انگار از همین دست تر است که دین آفیون مردم است. مگر آفیون چه میکند؟ به خواب بردن نیروی بیدار - شونده و از هوش بردن هشیاران، به عبارت دیگر - بار ریزگرم و استعمار شدن، و اگر در میان نیروهای هوادار سوسیالیسم در درستی این سخن تردیدی بود، اکنون با قریب به سه سال تجربه حکومت اسلامی روشن میشود که جاشی برای تردید نمانده است. و از اینروست که به قول مارکس نقد (یا بهر خورد عینی - ذهنی) دین ضروری - میشود "نقد آسمان به نقد قانون (دولت)" و نقد الهیات به نقد سیاست تبدیل میشود. (تاکید ما رکن - نقل از نقد فلسفه هگلی ج ۱)

کمونیتها معتقدند که جامعه کنونی بر استعمار اکثریت وسیع توده های مردم توسط اقلیتی ناچیز، یعنی سرمایه داران و زمینداران متکی است و از اجرائی اعمال اراده و تحکیم منافع این اقلیت ناچیز را، اکنون حکومتی به نام جمهوری اسلامی تشکیل میدهد که وظیفه کلی آن، همچون هر دولت متعلق به طبقات ستمگر، عبارتست از تضمین ادا مآ استعمار و تحکیم شرایط ستمی اجتماعی حاکم و سرکوب طبقات مردم. ستم اقتصادی بر توده های کارگران و زحمتکشان، ایجاب می کند که انواع ستم سیاسی و تحقیر اجتماعی بر آنان روا شود... و دین یکی از شکل های ستم معنوی ای است که همه جا بردوش توده

هایی که بر اثر کار بردا و مبرای دیگران، و بر اثر شراکت و محرومیت گمراه کرده اند، سنگینی می کند. (لنین، مقاله "سوسیالیسم و دین") این در شرایط - ویژه، جامعه ما معروف چنان نیروئی است که می گویند نظارت و حاکمیت دولت - استعمارگران را بر ستمی عرصه هسا، حتی عرصه های که معمولاً دولت بورژوازی در آن نیازی به مداخله ندارد، برقرار سازد. و به این مناسبت شاید به تعبیری بتوان گفت که اکنون دین معروف دولت - است و در خدمت مریخ و مستقیم استعمار - گران و هر آنکس که از استعمارگران دفاع کند و به ادا مآ رژیم فلاتک با رشان مستعد رماند، دشمن پرولتاریاست. هر جا که مآ شد و در هر لسانی که مآ شد، چه در آن بیغورم - بلیس و چه در جبهه روحا نسبت (روزا لوکزا) - میورگ، مقاله "سوسیالیسم و دین" یکی از بدیهی ترین مقدمات مکتوب سوسیالیسم علمی اینست که از جنبش آیدئولوژیک میان کمونیت و دین و به عبارت دیگر میان ما ترالیسم و دین، هما تقدر قاطعه و نا همازی هست که میان بیداری و خواب و میان روزوش - تلاش های فرصت طلبان و تجدید نظر طلبان رنگارنگ کمونیت نما که می خواهند این دو - آیدئولوژی را از یک جنس باحتی آشتی - پذیر قلمداد کنند، همچنان گدا ز تجربه اجتماعی اخیر نیز بر مآ آید، چیزی از این نا همازی نمی گاهد. بلکه برعکس مآ می - این فلاتک اجتماعی، شما می این دستبرد - های را هر نا به برد ستا ودهای انقلاب، شما می این تطاول ضد انقلابی، شدت - نا همازی میان سوسیالیسم و دین را به تا کیدنا زگومی کند، به گونه ای که گویسی اکنون سوسیالیسم به مثابه انقلاب و دین به مثابه حربه، فعال ضد انقلاب رودر روی هم قرار گرفته اند. شرایطی است که در آن میتوان سخن مارکس را به تکرار فریاد کرد که "ستیزید با شرایط آلمان" - بخوانید ایران) ستیز با تمام و با سبب این شرایط فرورترا از سطح تاریخ است، فرورترا (حتی است که در خور) هرگونه نقد است، لیکن همچنان آماج نقد است، همچون وضع موجودی برهکرا رگه نا زلتسر از سطح انسانیت است. و با اینحال هدف تیغ جلد است.

دین یکی از بقایای است که رخ - این شرایط را از دیده مردم ستمکش و استعمار شونده پنهان میدارد و به لحاظ اهمیت این نقاب، ستیز سوسیالیسم و دین، جدتی ویژه می یابد. بنا بر اینست ملاحظات، در وجه آیدئولوژیک، همچون ما بر وجه، مآ زده با دین وظیفه ایست بر عهده کمونیتها، زیرا همچنان که - دیدیم، طبقات دیگر به دلایل عینی و ذهنی نمی خواهند در عین حال نمی توانند عهده دار این وظیفه، سورژ واد مگرا تیک شوند. در راه اجرای این وظیفه کمونیتها مآ به زهر آیدئولوژیک مآ زده علیه همه مورقرون و سطا شی، از جمله دین رسمی کهن و هرگونه کوشش برای زما زان... باشد. (لنین، نظر حزب کارگران نیست

به دین) کمونیتها بعنوان نخستین گام با به برای مبارزه با دین، خواستار جدا نشی کامل دین و دولت هستند. با بهرگونه - ارتباط میان این دونها دا حتماً که دست در دست هم مآ بر شها دهای سرکوبگر در جامعه مبتنی بر استعمار موجب آزادی انسان و ستمکش و زحمتکش میشوند، از میان بردن ذات حیات تقدس دولت از میان برداشته شود و رونق با زار دین بکا همد. لیکن "سیاست حزب کمونیت روی (لشویک) در مورد دین نمی تواند محدود و یا تدبیه صدور فرمان در مورد عدا شی کلیسا از دولت و مدرسه از کلیسا، یعنی اقداماتی که - دیگر تهای بورژوازی وعده میکردند، لیکن هرگز و در هیچ جای جهان به آن وفا نکردند. زیرا میان سرمایه و تبلیغات دینی، عملاً پیوندهای گوناگون وسیعی وجود دارد. هدف حزب این است که ارتباط میان طبقات استعمارگر و تبلیغات دینی مآ زمان با فتنه عملاً از میان برود و مردم زحمتکش عملاً از قید تعصبات دینی رها شوند. برای این مقصود، حزب با دو وسیع - ترین آموزش علمی و تبلیغات ضد دینی را مآ زمان بنشد (از طرح سرنامه حزب کمونیت روسیه، منتشر در جلد ۲۹ مجموعه آثار لنین)

لیکن کمونیتها این را نیز به روشنی میدانند که مآ زده با دین اساساً از طریق مبارزه با بنیاد اجتماعی آن، یعنی روابط تولید زاینده و با زاینده است. نحوه برخورد با جهان هستی میگرد. مآ زده با دینولژیک با دین همرا مآ بر وجه مآ زده در تهای عرصه های اجتماعی یکی از وظایف هستی مبارزه کمونیت - هاست. اما این مبارزه نه تحوی مقتضی با شرایط صورت میگیرد (که هرگز به معنای تبلیغ همزاری و ترویج توهم بیگانهگی - دین و سوسیالیسم نیست). ملاحظه مآ سی مربوط به این امر این است که مآ باید از اهانته به عواطف معتقدان به دین بهره ز کرده، بر آری این کار فقط در خدمت ترویج تعصبات دینی است. با این ملاحظات کلی، اکنون به وجوه و طرق مبارزه کمونیتها با دین - می پردازیم. روشن است که تمامی این وجوه و طرق در متن شعرا و اقدام عمومی سرگونی جمهوری اسلامی مطرح میشود. ۱- تا آنجا که به دولت مربوط است، مآ خواستار نسیم گدین امری خصوصی تلقی شود. یعنی هیچ دین و مذهبی نباید مورد توجه دولت یا تدورسی یا مرجع تلقی کرد و جامع دینی نباید هیچ ارتباطی با قدرت حکومتی داشته باشد. هیچ دین و مذهبی نباید تحت عنوان رسمی، از - امتیاز خاصی نسبت به سایر مکاتب - عقیدتی برخوردار باشد. ۲- البته خصوصی بودن دین امری نیست که نتوان به درون زندگی سیاسی کمونیتها نیز سرتایت داد. هر کمونیتی بنا بر اصول اندیشگی خویش فاقد دین است. ۳- هرکس با بد مطلقاً از ادبا شکه به هر دینی بگردد و یا از آن روی گرداند. دین داشته باشد یا نداشته باشد، خدا باشد (همچنان که هر سوسیالیستی چنین است) از این هرگونه تبعیض علیه اشخاص کور به معناست گرایش مثبت یا منفی نسبت به دین یا مذهب خاص و یا امتیاز هسای فردی و اجتماعی مبتنی بر این گرایش بقدر صفحه ۶

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

مبارزه طبقاتی دوشیلی

بقیه از صفحه ۷

به تحلیل برد. علت این امر قبل از آنکه نتیجه فشار، نفوذ و فعالیت شدید سیاسی امپریالیسم در منطقه باشد، بخصوص پس از پیروزی در جنگ جهانی دوم و اوج گیری قدرت اقتصادی و سیاسی این کشور در جهان غرب - همانا غلبه سیاست غلط - زفر میستی بر احزاب چپ شیلی بود. - زفر میستی که در برابر اراشه برنام عمل نگارگری در جهت انقلاب پرولتاری ایستاده بود. ویدلا، با وجود اینکه در انتخابات ۱۹۴۶ بعنوان نماینده آورده حکومتی مردمی، با جلب نظر کمونیستهای روس کار آمد، اما خیلی زود توانست با همبستگی امپریالیسم آمریکا، وزرای کمونیست را از کابینه بیرون راند و شیلی را به نظام ضد کمونیستی منظمه ای متصل کند. وی - دولت را وادار کرد، تا در پیمانهای دفاع نظامی منطقه ای مختلفی، که آمریکا نقش رهبری و هدایت عملگردها را بر عهده داشت، شرکت جوید. کمکهای آمریکا و سازمان اطلاعاتی سیا در این دوره بیشتر متوجه تبلیغات نظامی و در جهت تبلیسم مستقیم ارتشهای کشورهای آمریکا و لاتین بود، و ضمناً این کمکها نیز طبقه کار عملگر دو جهت یابی ارتش را شدیداً تعیین میکرد - گرچه شیلی همواره شهرتی کاذب بنا بر بی طرفی سیاسی و قاپوئیگری بودن داشت.

در دوره جدید جا بگزینی واردات شیلی بنوعی صاحب صنعت شد. صنایع معرفی در همان چهار رچوب محدود امکانات داخلی رشد کردند. در سال ۱۹۵۴ حزب سوسیالیست، سالوادور را کاندید ریاست جمهوری کرد. در ۱۹۵۳ کمونیستهای شیلی نقش کلیدی در تشکیل کنفدراسیون مرکزی کارگران (C. U. D) ایفا کردند. جنبش طبقه کارگر و قشاریاشین و میان شهری هر روز بیشتر گسترش می یافت، و در سال ۱۹۵۶، یکبار دیگر کمونیستها و سوسیالیستها با سرنگ کردن جبهه خلقی (F.R.A.M) برقرار از این جنبش نشینند. این همان جبهه خلقی بود که در سال ۱۹۵۸ و پسین در ۱۹۶۴ سالوادور را کاندید ریاست جمهوری خود کرد.

روند صنعتی شدن شیلی در جهلست جا بگزینی واردات تا حدود سال ۱۹۵۵ - ادا می یافت، اما پس از آن اشکالاتی - عمیق در این زمینه بروز کردند که ریشه در مسائل کلی با زارجهانی سرما پیداری داشتند. صنایع جدیدتر، برای حفظ مقام خود در رقابت با کالاهای خارجی، و نیز برای گسترش بخشیدن به تولیدات خود، به سرما به گذاریهای وسیع و تکنولوژی وارداتی بیشتر و گرانتری نیاز داشتند. در اوایل دهه ۱۹۵۰ و در تمام طول دهه ۶۰، موج عظیمی از سرما به گذاریهای خارجی شیلی وارد بر گرفت. برای ایجاد امکانات اجتماعی و سیاسی برای پیشرفت چنین جریانی، که خواه ناخواه توسط - بستر روند اقتصادی تعیین میشود و متقابلاً - بر آن تاثیر میگذارد، امریکا سیاست رکوش کرد قدرت احزاب بورژوا - زفر میست، مانند حزب دمکرات مسیحی، که در میسان توده ها از نفوذ قابل توجهی برخوردار بودند، را بوسیله افزایش بخش و وظایف این احزاب کنترل امور اقتصادی و سیاسی شیلی را در دست گیرد، و دست خود را در سرما به گذاریها و سایر پرداختهای همه جا نشینان هدارد، بوی دیگر، احزاب کمونیست و سوسیالیست نیز

برای مقابله با سیا، بورژوازی و امپریالیسم، علیرغم اختلاف نظرهای فراوانی که در درون فراب موجود بود، تصمیم گرفتند در مورد برخی امور حرکتها با یکدیگر اتحاد عمل داشته باشند.

۱- زار و خزانهای ۵۰ شرکت های بزرگ چند ملیتی سیل سرما به گذاریهای کلان خود را به شیلی سرا زهر کردند. از کارخانجات اتومبیل سازی (ژنرال موتورز، شورون - کرایسلر، فیات، لیلاند، دتسپروشن) و لاستیک سازی، تا صنایع تلفن، الکترونیک، تلویزیونهای مونتاژ... تا حتی میل و صندلی فلزی سوار شده از قطعات وارداتی. در حالیکه بیش از ۸۵٪ مردم شیلی محتاج لباس و غذای بهتر، و حمل و نقل راحت تر، و مسکن بودند، منطبق سرما به، دولت را وادار کرد تا هزارها سرما زد و به وجود آوردات نفتی بجا فراید.

نفوذ امپریالیسم در حوزه های مالی و بانکی، و صنعتی، دائماً روبه تزاید و گسترش بود. جریان واضعهای خارجی بسه شیلی شدت گرفت و قرضهای خارجی دولت شیلی به نسبتهای بزرگ آمریکائی و اروپائی و صندوقهای بین المللی مختلف افزایش یافت. بطوریکه رقم آن از ۶۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۶۰، به ۳ میلیارد دلار در ۱۹۷۰ رسید. این جریان تا شیر قاتل ملاحظه ای بر موازین برداخته گذاشت. بطوریکه حدود ۲۰٪ بهای صادرات مس در سالهای ۷۲ و ۷۳ به پرداخت بهره قرضهای خارجی اختصاص یافت.

در چنین روندی، بورژوازی شیلی نیمه دوم قرن بیستم، دیگر حطت ترقی و ملی گرایی بورژوازی اوایل قرن را نداشت، بلکه در زمینه های مختلف تجاری، معدن، صنعت و کشاورزی پیوندهای عمیق با امپریالیسم برقرار کرده، و توانسته بود در روندی بسته نمودن هر چه بیشتر - اقتصاد شیلی به با زارجهانی سرما پیداری خود را به واسطه ای قابل اعتماد و ترسناک در منافع، برای امپریالیسم شرکت های چند ملیتی تبدیل شود. خانواده های بزرگ مالکین و ثروتمندان لیگاری شیلی نیز در این روند بدریج رنگ عوض کرده، بجای اینکه با بورژوازی در تضاد بیا افتند، خود را با روش های وی تطبیق میدادند، و جسم میتوان گفت که بنوعی جزئی از آن گشتند.

دنیاهادار



توضیح و تصحیح

در لیست اسمی شهدای مهر ماه که در کار به چاپ رسیده است رتبه فریده - ظا ناجی بعنوان مها جدا علام شده است و حال آنکه رتبه او از چریکهای فدائی خلق - شاخه اشرف دهقانی بوده است که با این ترتیب اصلاح میشود.

ضرورت خدائی دین

بقیه از صفحه ۵

دینی ملتی است.

۳- هرگونه کمک مالی یا اجرایی دولت به مجامع دینی از جمله بهرمانه های تبلیغی دینی باید قطع شود و این گونه مجامع باید مستقل از دولت باشند. امین یکی از راه های قطع ارتباط میان مستخران و دین است.

۴- ذکر نام دین و مذهب افراد در اسناد و مدارک رسمی باید ملغی شود.

۵- دست قضات شرع و قوانین شرعی باید از مداخله گوناگون کوتاه گردد و هرگونه قانون مبتنی بر اعتقادات دینی مهجور و منسوخ یا بد ملغی شود. بنسب قرون وسطائی توانایی نظیر "لایحه قصاص" و ادغامهای با صلاح "انقلاب" یا پدیدرچیده شود.

۶- دست دین پیچگان باید از مرصه آموزش و پرورش کوتاه شود. آموزش عرفی بکلی از آموزش شرعی جدا گردد. دین پیچگان و دین دانستان نباید بگذار آموزش مداری و دانشگاهها نهاد خله داشته باشند. در دانشگاهها نباید آموزش شرعی در مدارس و کانونها ترویج فرهنگ ارباب و ارتجاع فرهنگی هستند یا پدیدرچیده گردند. مدارس و کانونهای دینی باید از فعالیت و اجرایی دولت محروم شوند. درین شرایط و نظایر آن باید از مدارس حذف شود.

۷- برای زن و مزدگه اکنون به نام اسلام عملاً ملغی شده، رسماً و عملاً اعلام و اجرا شود. به تبع این خواست هرگونه حدائی و تبعیض بر اساس جنسیت باید ملغی شود (فی المثل زن و مرد در حلق طلاق برابر باشند). در همین زمینه مقررات حجاب که با ارزشا علیه زنان است باید لغو گردد و زنان در پوشیدن خود آزاد باشند.

۸- تمامی انجمن های اسلامی و نظایر آن که در ادارات و کارگاهها عموماً و صرفاً به منظور پیشبرد مقاصد مردمی جمهوری اسلامی عمل کرده اند، باید به برچیده شوند.

۹- هیچیک از نمایندگان ادیان و مذاهب نباید حق داشته باشند از حق ویژه ای در رسانه های همگانی برای تبلیغ عقاید خود استفاده کنند. این خواست ممکن است منافع برای چارچوب بورژوازی مساوات طلبی تلقی شود، اما نباید فراموش کرد که در همین چارچوب و زمینه های نظیر آن، قریباً تمام مروجان دین، اذهان توده را با پیچیدگی کشانده اند. با بداین فرمت راه جدا گتر ممکن از دشمنان مردم دریغ کرد.

۱۰- بساط هرگونه تفتیش عقیده دینی در مدارس، کارخانه ها و اماکن و غیره باید پدیدرچیده شود.

۱۱- نشرکت و آثار علمی و هنری، و ترویج عقاید خدائی باید مطلقاً آزاد باشد.

۱۲- تمامی اموال (موقوفه و غیره) تحت مالکیت روحانیون، باید جزو مسائل عمومی محسوب شود و از این راه، آنان را از یکی دیگر از مجاری برخورداری از حمایت سرما به محروم کرد.

۱۳- آنچه بر سر مردم بعضی از جوه عمده خواستهای کمونیستها در ارتباط با مسئله دین است و باید متذکر شد که این خواستها، علی الاکملوم در چارچوب خواستهای بورژوازی دمکراتیک هستند. لیکن به علت آنکه توانی بورژوازی در تحقق آنها این کمونیستها هستند که باید بخوار و مجری آنها گردند.

مبارزه طبقاتی در شیلی

بخش اول

(۱) مروری کوتاه بر تاریخ:

تاریخ شیلی براساس تاریخ غارت - بیگانگان است: نخست اسپانیا و انگلیس و سپس آمریکا. اسپانیا شیلی را از ابتدای فتح این سرزمین، مستعمرات خود را در شیلی و دیگر مناطق مقرر فرموده بود و سرها کرده، واحدهای کار عظیم زراعی بنام انکوئمندا (Encomienda) را در اطلاکی که در روزا سومان گرفتند بودند. اینجا دگر شدند، سرخپوستان بومی و سبب نسلهای همزوج شیلیایی در این املاک، کدگاها زکومهای آندتا: قبا نوس آرام - داین میگتراند، به بیوغ سردگی کشیده می شدند و در مقابل زراعت برای اربابان بزرگ، حق کشت قطعه زمینی کوچک برای خود، و زندگی در یک کلبه با چند حیوان اهلی را دارا بودند.

بعدها این واحدهای زراعی بزرگ - هاسیندا (Hacienda) نام گرفتند و بومیان سرخپوست، که نتوان برده بسا سرف کار می کردند، تبدیل به مستاجرین املاک شدند. البته این آزادگان کشاورزان مستخرمی بودند و واقعی، طی سالهای مختلف، هنوز ارباب بدمال را بود که به رعیتها اجازه عروسی میداد، اربابها را میان فرزندان تقسیم میکرد، دعواها را فیصله میداد و آنها را برای تنبیه به سیاهال می انداخت. واحدهای کشاورزی مذکور دروا خود دوره، استعمار، واحدهای زندگی مردم شیلی بود و این شیوه زندگی تحت حاکمیت انگارشی لاتینوندیست ها، همچنان تا عصر ما نیز ادامه پیدا کرد. -

مالکین بزرگ، هنوز ره شیلی را تحت اختیار خود داشتند و با حکومت ویا قانوی کد رخلای میل و متافعنان عمل نمیکرد، مخالفت ورزیده، آزار از میان بر میداشتند. انگارشی شیلی حتی رهبر جنگ استقلال این کشور را، از آن رو که بر ملاکین مالیات بست تا بتواند با اشراف اسپانیولی بجنگ سرنگون کند!

پس از کسب استقلال، که به کمک - انگلیسیا بدست آمد، انگلیس و امریکسا منابع زیرزمینی، و نیز تجارت شیلی را تحت اختیار خود آوردند، با این وصف، میتوان گفت که امپریالیسم، از همان آغاز تاریخ شیلی، رشته امورا اقتصادی این کشور را بدست گرفت و اوامهای سنگین ازبنا کهای روابط انگلیس، به فشارهای سیاسی و اقتصادی این کشور شیلی، مانند تحمیل قوانین حذف مالیات بر تجارت و برقراری سیاست تجارت آزاد و غیره، مشروعیت می بخشید. استخراج معادن، نخست نیترات و سپس مس، نیز بدست انگلیسیا و امریکانها بود. در واقع این امپراطوری بزرگ - اقتصادی قرون ۱۹ و ۲۰، استقلال شیلی و با گرفتن روابط این کشور با خارج از طریق صدور مواد معدنی نیترات و مسی از آن رو کمزور کردند که نتوانند در عوض، خود انحصار استفاده از این معادن را بدست گیرند.

در نیمه های قرن ۱۹، نیترات، - صادرات اصلی شیلی را تشکیل میداد، به تدریج میشد وای یک بورژوازی بومی را

سند که ندای "شلی برای شیلیا شیلیا" را سر میداد و این حرکت اقشار جدید شهری، در سال ۱۸۸۶، به ریاست جمهوری - با لمان برای غذا صنعت روغن و طلا - انجا میداد، و میخواست انحصار انگلیسیها را بر نیترات بشکند، و بپول حاصل از آنرا تحت نظر دولت، در صنعت سرمایه گذاری کند، زیرا به درستی پیش بینی میکرد که نیترات روزی موقعیت خود را از دست خواهد داد. دولت وی یک سلسله کارهای عمرانی و خدمات عمومی، مانند ساختن راه آهن، حاد، پل و بندر را به اجرا گذاشت، مدرسه، بیمارستان، خط تلگراف و... ساخت و سعی کرد تا جایی که ممکن بود خرج صنایع را به گردن در آورد. در این دوره یک رشته مبارزات علیه استعمار صورت گرفت که هر بار به نفعی یا به ضرری با مصروف و یا از آن به نفعی در راستای حفظ منافع امپریالیستهای انگلیس و امریکا بهره برداری شد.

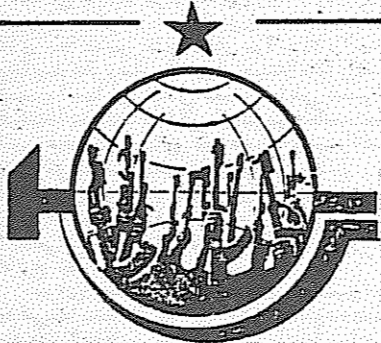
با جنگ جهانی اول، برتری امریکسا در منطقه را گرفت و این کشور بخشهای کلیدی اقتصاد شیلی را تحت کنترل خود گرفت. کار سرد نیترات در صنایع بتدریج با جایگزینی نیترات مصنوعی گاش - یافت و استخراج منی رفته رفته جای آنرا گرفت. صادرات این مس را امریکادر - انحصار خود داشت. در سال ۱۹۲۷ شرکت آ.ی.سی (A.I.C.) بخش اعظم سهام شرکت تلفن شیلی را که تحت کنترل انگلیسیها بود، خرید. - صنعتی شدن شیلی:

علاوه بر استعمار رشد و پیشرفت اقتصادی فزاینده، امریکا لیسم بر شیلی، شرکتات و جنبشهای ترید یونیونستی و سوسیالیستی، در میان طبقه کارگر شیلی و اقشار میانی جا می نشینی شیلی، از اوایل قرن ۱۹ پس گرفت، و در اثر همین مبارزات بی گیسر طبقه ای بود که در ساخت سیاسی و اجتماعی کشور تقویتاتی چشمگیر صورت گرفت. - کارگران تشکلات خود را بر زمین دگرگامی نسبی شیلی - که دارای بختگی پیشتری نسبت به سایر کشورهای امریکای لاتین - بود. از اوایل قرن ۱۹ برپا کردند. آنها روزنامه ها و نشریات سیاسی - منعی خود را داشتند و در راه نیل به خواسته های طبقه کارگر نظا هرات و اعتصاب میکردند. حزب دمکرات شیلی در سال ۱۸۸۷ تا بنین شد. این حزب زرفرمیت و دارای گرایشات سوسیالیستی بود. رهبران طبقه کارگر نخست از این حزب برخاستند:

منجمله "رکا بارن" (L.F. Recabarren) که کارگر چاپخانه بود و پس از سالها مبارزه، در سال ۱۹۲۲ حزب کمونیست شیلی را برپا داشت. حزب کمونیست با راه غیرقانونی اعلام شد و در دوره های مختلف اختناق و ادا گردید در شرایط مخفی بکار خود در میان طبقه کارگر ادامه میدهد. حزب - سوسیالیست شیلی نیز در اوایل سالهای ۱۹۳۰ تا بنین شد. این حزب از مجمع چندین گروه کوچکتر یونین مد که حول عقا بسند و اهداف فمارکیستی بهم پیوسته بودند. سازمان یافتگی نسبی طبقه کارگر

جنبش جهانی

کارگری - رهائی بخش



واقتار میانی شهری حول برنامه های سیاسی و در جهت کسب استقلال و آزادی سیاسی و اقتصادی کشورهای، با انواع بحران سالهای ۱۹۲۹-۳۰ در حوزه اقتصاد غرب، که نقطه عطف جدیدی در تاریخ کشورهای امریکای لاتین بحساب می آید، بر روند توسعه اجتماعی و سیاسی این کشورها اثر مبرم داشت.

در واقع بحران سالهای ۳۰ فرصتی بود برای اینکه با زرادخلی این کشورها گسترش پیدا کند و منابع داخلی آنها را برای بیافند، زیرا از آنجا که قدرت خود را نتوان اقتصادی کشورهای اروپا نسبی و امریکای لاتین در بحران تقلیل یافته بود، صادرات نسبی و سایر کشورهای مشابه به ناچار کاهش یافت. برای حفظ تعادل در موازنه پرداختها، این کشورها و ادار شدند و ادات خود را - کالاهای مصرفی، ماشین آلات و غیره - تنزل دهند و نرخهای کمتری را لایز برای واردات منظور دارند. بدین ترتیب، روندی آغاز شد که طی آن صنایع داخلی رشد کردند و محصولاتان جایگزین کالاهای خارجی شدند. باقی اذ طریق واردات تا بنین میشد.

در سال ۱۹۳۲، افسران مرتزقی ارتش با یک کودتا حکومت را در دست گرفتند. در میان این افسران میشد از گرایش های سوسیالیستی سراغ گرفت. اما عمرا پس خونتای دراز نبود، چرا که امپریالیسم امریکا کودتای دومی برپا کرد و عمرا مرتزقی را از قدرت بریز کشید.

در سال ۱۹۳۶، کنفدراسیون کارگران شیلیایی (C.T.C.) پس از او یکجوری - جنبش اتحادیه ای، توسط کارگران پیخرو شیلی تا بنین شد. چند سال بعد، در ۱۹۳۹، حزب رادیکال، در اختلافی با کمونیستها و سوسیالیستها، شبه خلقی را تشکیل داد، که در انتخاات همین سال قدرت را بدست گرفت "سردا" (Cerde) رئیس جمهور منتخب جبهه خلق، به وزیر سوسیالیست از جمله آئنده - را با خود به دولت برد و سیاستی توسعه خواه را در پیش گرفت. در کنتر برپای صنایع برق، فلزات، نفت و... بهره کشی امپریالیسم نیز همچنان ادامه داشت.

در طول حکومت جبهه های خلقی از سال ۳۸ تا ۱۹۴۰، جنبش کارگری و کمونیستی شکل و نیروی خود را، در اشتها های که کرا را "با احزاب بورژوازی مکسرند،

نفسه در صفحه ۸

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائی بخش جهان

بن بست مجاهدین خلق

بقیه از صفحه ۲

انقلابی به یک برنا می‌بوزوزوا - رفرمیستی تبدیل میگردد. اما اکنون تمام پندار - های مجاهدین خلق نقش بر آب شده است و شکست خط و مشی آنها بعینه آشکار گشته است و آنها در یک بن بست سیاسی قرار گرفته اند. تصادفات که در بی شکست این خطومشی میان مجاهدین و لیبرالها بروز کرده است، هر دم تشدید می‌گردد. مجاهدین برای رهایی از این بن بست برنا به دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی راه را نهاده اند، اما این نیز راه خروجی از این بن بست نیست. برای اینکه مجاهدین خلق دمکرات باقی بمانند، لازم است آنکجا به توده ها و جنبش انقلابی توده است. آنها برای رهایی از این بن بست باید از همسان نقطه ای که آغاز کردند، با خط و مشی انحرافی خود برخوردار گردند. مادام که اتحاد مجاهدین خلق با بوزوزوازی لیبرال باقی است، راه رهایی از این بن بست وجود نخواهد داشت. بیگانه راه رهایی مجاهدین از این بن بست کنونی کسکست کامل از لیبرالها استکاء به توده ها و بازگشت به تاکتیکهای بسج توده ای و پذیرش یک برنا -

انقلابیست. منافع مجاهدین خلق و اقشاری که این سازمان آنها را نمایی میکند در اتحاد با بوزوزوازی بلکه در اتحاد با پرولتاریا نهفته است. و مسلما یک چنین راه حل انقلابی گرایان آنها را بسوی پیگیری ترین نیروهای انقلابی، یعنی مارکسیست - لنینیست ها بیشتر خواهد کرد. این تنها راه برون رفت مجاهدین از بن بست است. در غیر این صورت مجاهدین به همان وضعی دچار خواهند شد که بوزوزوازی لیبرال اکنون دچار آنست و این وضع مسلما خواست پرولتاریای انقلابی ایران نیست. زیرا اگر بوزوزوازی لیبرال را - ارتقاء دهیم با زهم میان شیوا و پرستز مارکس در مورد بوزوزوازی آلمان در آن سالها میتوانیم وضعیت روشنی برای بوزوزوازی که اکنون به دوران ارتجاع گام نهاده است، با شما رگس در مورد این بوزوزوازی میگوید:

«... باور به خوشبختی بی باور به خلق لنه لنه کان در برابر بالایشها لرزان در برابر پائینیها ... هرمان از طرفان جهانی هیچ جا انرژی نشان نمی دهد. همه جا زرد اندیشه در برگان است ... بی ابتکار ... پیر لاند شده ای که محکوم است تا نخستین شور جوانی خلق و جوانی و تند رستی را در دست ضایع پیرانه خویش رهبری کند ...»

در این جملات سیمای واقعی مبارزگانها و بنی صدرها در بهترین حالت خود ترسیم شده است. ما هرگز نمی‌خواهیم که مجاهدین خلق به این سر نوشت دچار شوند. زیرا کسکه انرژی و پتانسیل انقلابی ایستادن سازمان و هواداران آن با بددرسست و راستای انقلاب هدایت شود. هنوز دیدار نشده است. علیرغم ضربی که در اثر خط و مشی غلط سازمان مجاهدین خلق بر جنبش انقلابی ایران وارد شده است، توده های کارگر، دهقان و دیگر اقشار حمتکسش خلق خود را برای یک قیام آماده میکنند و وظیفه سنگینی بردوش سازمانهای - انقلابی قرار دارد. مجاهدین خلق تنها با گسست از بوزوزوازی و با تکیه به توده ها قادر خواهند بود، نقش انقلابی خود را در این مبارزه ایفا کنند. تنها این اقدام انقلابی قادر خواهد بود مجاهدین خلق را از بن بست کنونی نجات دهد، و پشت - محکمی بردها ن رژیم ضد خلقی حاکم و تمام نیروهای فرصت طلب و خاش باشد. از این روست که گنگره سازمان با حرکت از منافع توده های مردم، با حرکت از منافع انقلاب اقدام به تشکیل یک جبهه با مجاهدین خلق را مشروط به گسست هرگونه پیوند اتحاد آن با لیبرالها قرار داده است و ایستن بیگانه سیاست درست و انقلابی است که در مقطع کنونی از سوی گنگره به تصویب رسید.

ایران، پرچمدار اوپک!

بقیه از صفحه ۱

(اطلاعات ۲۲ آذر) و در گزارش دیگری که توسط خبرگزاری آمارات متحده منتشر شده آمده بود که "ایران امروز (دیروز) در یک اقدام غیرمنتظره که با تعجب کلیه اعضای اوپک و ناظران روبرو شد، اسرار تمایل کرد که قیمت نفت خام نیمه سنگین خود را هر بشکه یک دلار کاهش دهد (اطلاعات ۲۱ آذر) طبق آنچه تعجب ناظران و دیگر اعضای اوپک را برانگیخته بود، عقب گرد ۱۸۰ - درجه ای در رژیم جمهوری اسلامی بود، چرا که امواع تبلیغاتی رژیم مدعی سرکردگی چنان مترقی اوپک و با لایردن قیمت های نفت، هنوز در رقابت می‌بجید که همه ناگهان متوجه شدند رژیم جمهوری اسلامی خواستار فروش نفت خویش به تنازل ترین قیمت می‌باشد. البته این کاهش چشمگیر در قیمت نفت برای نیروهای که از ما هیت واقعی رژیم با خبرند، چندان هم غیر قابل پیش بینی نبود. زیرا که ما نورهای قبلی رژیم همه و همه صرفا "از موضعی فرصت طلبانه و جهت تحمیل دیگران انجام گرفته بود و نه امر دیگری. حتی غرضی قبل از عزیمت به اجلاس اوپک طی یک مصالحه سیاست نفتی جدید دولت را در پیش جملیه زیرین به بهترین شکل بیان داشته بود که جز کاهش شدید قیمت نفت معنای دیگری در خود ندارد. او در بخشی از آن مصالحه میگوید: "قیمت نفت با بدبراسان سیاست های داخلی کشورمان معین شود، نه بر اساس سیاست کشورهای خارجی. آنچنانکه تا به امروز معمول بوده است" (اطلاعات ۱۷ آذر) و به دیگر سخن ایران بدون توجه به قیمت های که در اوپک تعیین میشوند،

جهت راه اندازی چرخه اقتصاد خود، برای جلب مشتری قیمت را پائین تر از همه قرار میدهد. و با آنطور که غرضی پس از بازگشت از ابوظبی طی یک مصالحه تلویزیونی بیان داشتی "ایران برای کسب مشتریانی از دست رفته، دست به هر کاری میزند" البته رژیم برای جلوگیری از رسوایی هر چه بیشتر در داخل کشور، در رابطه با گزارش خبرگزاری فرانسه فوراً موضع گرفت و اعلام داشت که "روابط عمومی وزارت نفت جمهوری اسلامی قیمت نفت - خام صادراتی ایران به میزان ۳۰ دلار (را) تکذیب کرد و آن را عاری از حقیقت دانست ... پس از تأیید مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران قیمت های جدید را "توسط وزارت نفت اعلام خواهند" (اطلاعات ۲۲ آذر) اکنون با گذشت حدود یک ماه و نیم از آن تاریخ، و با وجود - یک رسما "اعلام شده قیمت های جدید در هیئت دولت به تصویب رسیده، لیک هرگز سطح قیمت های اعلام نشده است. علت این امر کاملاً مشخص است. رژیم برای کسب هر چه بیشتر از رزبه های نفت را شنید "گاهش داده است. لیک دلیل ما هیت ضد مردمی و خطت عوام فریبانه خود حاضر نیست ایست عقب نشینی - در برابر ارتل های نفتی را به زحمت کشان بگوید. جدول زیر نتایج اجلاس اخیر اوپک در مورد رزبه های نفت کشورهای عضو است.

کشور	نوع نفت	بهای قبلی	بهای فعلی	میزان کاهش قیمت
الجزایر و لیبی		۳۸-۳۲/۵	۳۸-۲۷	بظور متوسط ۲۲۵
اکوادور و کلمبیا		۳۴/۲۵	تعیین نشد	
اندونزی		۳۵	۲۵	
کویت	سنگین	۳۲/۳۰	۳۰	۲/۳۰
عراق		۳۴/۱۸	۳۲/۱۸	
نجره		۳۶/۵	۲۶/۵	
قطر		۳۵/۶۵	۳۵/۴۵	۲۰
امارات متحده		۳۵/۶۰	۳۵/۴۰	۲۰
ویتنام		۳۲/۶۰	۳۲/۶۰	
عربستان	متوسط	۳۳	۳۲/۴۰	۶۰
	سنگین	۳۱/۵۰	۳۱	۶۵
ایران	متوسط	۳۳	۳۲	۱
	سنگین	۳۲/۳۰	۳۰	۲/۳۰

چنانکه پیداست ایران رسماً حاضر شده است نفت خود را به پائین ترین قیمت به فروش برساند. اما خیا ننت رژیم حتی در همین جا خاتمه نیافته است. طبق اظهارات - سخنگوی کمیسیون بودجه (البته بطور غیر مستقیم و سر بسته) اعلام شد که ارزش اسناد حمل نفت صادراتی برای ۲ ماه بهمن و اسفند ۱۳ ملیارد تومان می‌باشد (کیهان ۲۱ دی). و با توجه به اینکه در آن ۶۰ طی یک مصالحه مطبوعاتی "نوربخش ... تا کید کرد از مارس ۱۹۸۱ (فروردین ۶۰) ایران بطور متوسط یک میلیون تن نفت در روز صادر کرده است (اطلاعات ۱۰ آبان) و همچنین با توجه به اینکه همان سخنگوی کمیسیون بودجه اعلام کرد که "مقدار عرضه نفت ایران به بازار خیلی بیشتر از مقداری بقیه در صفحه ۹

حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست

سرکوب دگه داران ادامه سیاستهای ضد خلقی رژیم

بقیه از صفحه ۱

نداده است. با توجه به اینکه هم اکنون - بیش از ۳ میلیون بیکار در جاده وجود دارد و ۱/۵ میلیون واره جنگی نیز با این بیکاران افزوده شده اند و با تعطیل کارخانه ها و موسسات خصوصی و اخراجهای دسته جمعی معنای مختلف هر روز بر ارتش بیکاران افزوده میشود، بدیهی است که هیچگونه چشم اندازی جهت جذب دگه داران به سازمان نخواهد بود. درست است که بیکاری گسترده و با نتیجه توسل به اشتغالانی نظیر دست قرونی، دگه داری، ماشین شویی، ...، نموده های بازرگانی - های اقتصادی و محصول جوامع طبقاتی و مالکیت خصوصی بر وسایل تولید است. اما باید توجه داشت که وجود این همه دگه دار و دستفروشان و اشتغالانی از این قبیل در اقتصاد وسیع کنونی، معلول بحران عمیق اقتصادی در جامعه است. توجه به تاریخچه و روند گسترش دگه داری در سطح تهران، این واقعیت را به اثبات میرساند که بحران اقتصادی سال ۵۶ و توقف پروژه های ساختمانی عظیم و همچنین تاراشی در بسیاری از زمینه ها از جمله رشته های صنعتی و کشاورزی بیکاری وسیعی را به همراه آورد و بدیهی بود که گرایش بسوی اشتغالانی چون دستفروشی، دگه داری، ... که نوعی بیکاری پنهان است تشدید شد. پس از قیام ۲۲ بهمن، بدلیل ادامه بحران اقتصادی، به تنهایی این بدیده از بین نرفت بلکه رگودر کارهای ساختمانی و تعطیل معنی از کارخانه ها و ادارات و توقف پروژه ها و همچنین اخراجها و سیاستهای ضد خلقی رژیم در کلیه زمینه ها، اشتغال به دگه داری را بیش از پیش گسترش داد. رژیم جمهوری اسلامی تلاشی نمیکند که این بدیده را یکی از تنگنای طاقت از اطلاعات ۱۹ دیماه (۱۳۶۰) قلمداد نماید. اما واقعیت اینست که اگر این امر مربوط به خصوصیت رژیم پهلوی است، پس لازم می آید که این بدیده پس از تغییر رژیم از بین برود و حال آنکه پس از سه سال از عمر رژیم جمهوری اسلامی، نه تنها کاهش صورت نگرفته بلکه تعداد آن چند برابری شده است. البته رژیم سعی دارد یکی دیگر از علل افزایش دگه داری را مهاجرت روستا ثانی به شهرها نیز نام برد اما اگر تمام عوامل را با دیده گرفتند و این مورد را دلیل رشد و گسترش دگه داری بدانیم با زهمی بدیده آنرا در سیاستهای ضد خلقی رژیم مبنی بر حمایت از زمینداران و وضعیت نامساوات دهقانان جستجو کنیم نه چیز دیگر.

تنگ نیست که ریشه کن کردن بیکاری - آشکار و پنهان، ایجاد کار تولیدی متناسب با نیروی کار موجود است و راه حل اقتصادی فاش آمدن بران نیردگرگونی بنیادی نظام طبقاتی است چرا که اساساً بیکاری محصول جامعه طبقاتی و حاکمی از مالکیت خصوصی بر وسایل تولید است و تا زمانی که مالکیت خصوصی وجود داشته باشد نمی توان سختی از رفع این مشکل شوک.

اما رژیم جمهوری اسلامی که از یکسو

خود عامل بوجود آورنده این بدیده است و از سوی دیگر با بحران دم افزون مواحه گشته است، سعی دارد با سرکوب دگه داران و ایجاد سیستم متمرکز توزیع از انسداد بحران کنونی بکاهد. سیاست کوبش بندی ما محتاج و خرید بزرگ از رنجکاران شمال و تلاش رژیم در جهت در دست گرفتن توزیع سرخ مقدمه ای برای اعمال کنونی رژیم در مورد برچیدن دگه ها بود. رژیم از طریق اعمال این سیاست دوهدف را دنبال میکند اول آنکه با ایجاد توزیع متمرکز بتواند کمبود ارز خود را بحران کند و - بدینترین میزان ارز را در جهت سیاستهای سرکوبگرانه خود خرید تسلیحات بکشد - اندازد و دوم آنکه با تمرکز توزیع و کنترل نسبی آن از رشد روز افزون سرخ تورم بکاهد و مانع رشد نامرئی توده ها گردد. اما از آنجا که سیاست توزیع متمرکز از طریق دولتی بورژوازی صورت میگردد نتایج حاصله از آن عبارت خواهد بود از افزایش سودهای سزنا رتجاً سرمایه داران و غیرسکی و ففردها هزار رتجتمکنی که از طریق دگه داری امرار معاش میگردد حال این خیل عظیم از هموطنان - رتجتمکنی ما با خطر گرسنگی و فلاکت روبرو هستند رتجگرانی که از حرکات دگه داران در مقابل حاکمیت خمیده شده میخوانیم:

روز چهارشنبه ۲۵ آذر عده ای از دگه داران تهران سفوان اعتراض به جمع آوری دگه ها در مقابل شهرداری جمع شدند و بنا شده ای برای مذاکره پیش شهردار فرستادند. شهرداری که از حرکت آنها بیخبر متوجه شده بود قول واگذاری زمینی جهت دستفروشی با آنها داد اما در تاریخ ۹/۲۸ که قرار بود جواب قطعی داده شود، آنان با تهاجم گسترده با سازمان سرمایه مزدوران رژیم مواحه گشتند و در تحریه عملی خود دریا فتنه رژیم بیکاری برای آنان بخواد کرد در این میان یکی از دگه داران می گفت: "تمام بیکاری ها و گریانی ها و فقر و فلاکت ما رتجتمکنان سه خاطر ظلم و ستم سرمایه داران است و تنها وقتی رژیم سرمایه داری حاکم باشد وضع ما خوب نمی شود." و در گزارشی که از - کرمانشاه ارسال شده است آمده:

روز چهارشنبه جمعیتی حدود ۳۰۰ نفر از دگه داران از جاده راه حاق بطسرف میدان شهنا زمان حرکت کردند و چند نما بیده نزد شهردار فرستادند و خواستار فرصتی تا عید شدند بلکه بتوانند - اجناسشان را بفروش برسانند و قرضهایشان را بپردازند و با ما سازی بمانند.

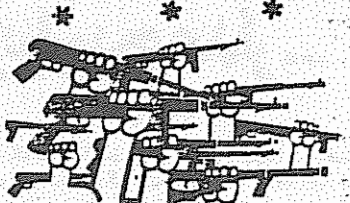
حرکت متشکل آنان موجب شد که رژیم موقتاً عقب نشینی نماید. و در گزارشی از صحنه نوشته شده: روز ۹/۱۱/۵۶ رتجتمکنان صحنه مورد بیرونی مزدوران رژیم قرار می گیرند اما آنان به مقابلت با سرکوبگران برداخته و علیرغم خراب شدن دگه ها، وسایل خود را در دگه های خراب شده بفروش می رسانند و رژیم را وادار به عقب نشینی می کنند.

و در تاریخ ۹/۱۴/۶۰ بطور دسته جمعی از صحنه کرمانشاه میروند و در آنجا اعتراض

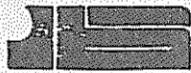
- شان را مطرح می کنند. همچنین در شهرهای از جمله لنگرود و فوس اعتراضات صورت می آید و رژیم و جمع آوری سرخ دگه ها در مقابل سرکوبگران بوده است. البته در شهر - لنگرود حرکات اعتراضی در مقابل شهرداری از سوی دگه داران صورت گرفت اما محض حمله مزدوران عقب نشینی کردند.

دگه داران در مقابل این اقدامات سرکوبگرانه چه باید کنند

- عدم مقاومت بکجا حد دگه داران در مقابل تهاجم رژیم علیرغم نامرئی - عمیق آنان، ناشی از عدم تشکیل دگه داران است. در این رابطه لازمست جهت مقابله با سیاستهای ضد خلقی رژیم نکات زیر توجه شود:
- ۱- دگه داران و با لاض عناصر آگاه - گمته های مقاومت بوجود آورند. می تولید این گمته ها در مناطق مختلف تشکیل شده و از هر گمته نما شده ای جهت هماهنگی حرکات خود تعیین کنند.
 - ۲- کار توضیحی در بین اهالی محل و جلب حمایت توده ها از آنان و بسی برقراری محدوده ها در محل.
 - ۳- هنگام بیرونی نیروهای سرکوبگر لازمست گمته های مقاومت از مردمی که در محلی حضور دارند علیه مزدوران رژیم کمک بگیرند و آنان را به دفاع از خود تشویق نمایند.
 - ۴- پس از تهاجم سرکوبگران لازمست دگه داران حرکات اعتراضی از جمله راه - بسطی دست زده و رژیم را تشنه کنند و با تجمع گسترده خود در مقابل شهرداری یا وزارت کار و ... رژیم را وادار به عقب نشینی نمایند.
 - ۵- ایجاد صندوقهای کمک برای آندسته از دگه دارانی که دستگیر شدند، یا امر به تشکیل آنان کمک خواهد کرد.
 - ۶- استیلا گانی است که مبارزات روز - مره دگه داران را هدایت خواهد کرد اما وظیفه نیروهای آگاه و هواداران سازمان است که به این توده های وسیع رتجتمکن توضیح دهند که این رژیم به تنهایی قادر نیست برای آنان کار انجام دهد بلکه حتی اجازه میدهد که لقمه نان بخورند و سیر بدست آنان برود و از بیرون توضیح دهند که تنها حاکمیت کارگران و سایر رتجتمکنان است که قادر خواهد بود بر فقر و فلاکت، بیکاری و بی خانمانی خاتمه دهد و اولین حرکت در این راستا، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. نیروهای رتجتمکن شهری نقش دستفروشان و هم نظری که در سرنگونی رژیم تا مدت قابل توجهی ایفا کردند هم اکنون نیز وظیفه دارند در جنبش دمکراتیک ضد امپریالیستی کنونی نقش آگاهانه تر از پیش ایفا نمایند.



مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



ارزیابی ذهنیات توده‌ها

آبان، آذر ۶۰ (فصل دوم)

۲- نقش موانع روستائی در مبارزات توده‌ای در این مقطع

بارها برای این امر تاکید کرده‌ایم که اعدام، شکنجه، نفتیش عقاید، خفقان، سرکوب و شدیدترین نوع دیکتاتوری تا زمانی که بحران اقتصادی، اجتماعی موجود تعدیل نگردد هرگز به تنهایی قادر نخواهد بود سدی در تنگنای جنبش توده‌ای ایجاد کند. مبارزات و جگرپاره‌ها توده‌ها بخوبی این اصل را اثبات نموده‌است. اما نقش این عوامل در سیر رشد انقلاب قابل بررسی است و بخصوص بررسی ذهنیات حاکم بر توده‌ها در این رابطه بخوبی به پیشرو - باری میرساند تا شیوه‌های مناسب جهت خنثی نمودن این موانع را بکار گیرد. گزارشات نشان میدهند که در میان این موانع، اعدام و زدن، اخراج و وجود جاسوسان و خیرچینان رژیم از عوامل سدکننده رشد مبارزات مردم بوده هستند. البته در این میان دو عامل دیگر نیز نقش بازاری میکنند. اول، عدم اعتقاد به رهبری جنبش، که مشخصاً با زتاب تحریکات توده‌ها در رابطه با نقش مزورانه خمینی است و دوم، جنگ، که علیرغم جنبی بودن و علیرغم اینکه بهیچ روی مسأله توده‌ها نیست اما هنوز اثر خود را در جلوگیری از اعتراضات قشار محدودی از مردم مینماید و برخوردها شنی از قبیل "جنگ با بدصبر کرد" و "نگذار جنگ تمام بشه" دیده میشود. اما این عوامل عمومیت ندارد و نسبت به عوامل دیگر کاملاً فرعی است.

الف: اعدام و زدن: اعدام‌های وحشیانه رژیم از یک طرف محور و آغازکننده بحث‌های سیاسی و گمانال بروز خشم و کین توده‌ای است و از طرف دیگر مانع به میدان آمدن آنها در شرایط کنونی میباشد. برخوردهای از قبیل "جنگارکنیم اگر حرف بزنی با غی و مفیدمیشوی و بعدش اعدام مگر" در گزارشات دیده میشود. خانم فقیر من در صف میگفت "همه چیزگران است روز بروز گزارشات میشود، همه میترسند حرف بزنند و گرنه همه ناراضی هستند، یکی نیست که اعدا می نداشته باشد، میگویند چرا مردم حرف نمی‌زنند، خوب معلوم است هر کسی در این باره زدن اعدا می‌کنند، اینها روی شاه را سفید کرده‌اند" مردمی که گزارشات را می‌شنودند دولت بود میگفت "برای اینها اعدام مثل آب خوردن است آدم نمی‌تواند چیزی بگوید" کارگر پیری میگفت "همه را کشتند، حرف هم بزنی میکشند" در صف گوشت وقتی کارمند جوانی اعتراض میکند بپرزنی - میگویی "تو حرف نزن جوانی، اعدامت میکنند"

هر چند ترس از اعدام هنوز بر مردم حاکم است اما همچون ماههای قبیل مطلق نیست و رعب و وحشت حاصل از آن در حال فرو بردن می باشد. برخوردهایی از قبیل "چه غلطی میتوانی بکنی، همه را کشته نمی‌توانند بکشند" "نگذار بکشند از این زندگی بهتر است"، به تدریج در حال رشد است هر چه به آخر آذرها نزدیک میشوی بیشتر میگردی، یک کارگر میگفت "خدا با کاری کن که قوی شویم تا انتقام بگیریم" جوانان را بگیریم "خانم خرده بورژوازی متوسط میگفت "من هیچ ترسی ندارم آدم بگذریم می‌میرد، خون من رنگین تر از بقیه نیست" را ننده تا کسی میگفت "این آخوند ها از بچه محیل هم نمی‌گذرند هر روز ۴۰ تا

۵ تا اعدام میکنند، بهر ما نگر فتند ولی چه فرقی بین من و همسایه ما است، که بهر مثل گلش را اعدام کردند" کارگر خیاط خطاب به یک جوان میگفت "تو مواظب خودت باش مرا که می‌بینی دیگر به انجام رسیده و هیچ ترسی ندارم قوت اعتماد می‌کنند" کارگر جوانی با لهجه آذری - میگفت "اگر بیشتر حرف بزیم حتماً ضد انقلاب هستیم، بلکه معلوم است هر که حرف حق بزند ضد انقلاب می‌شود ولی دیگر نمی‌ترسیم تا هم خیلی از این کارها کرد، آخرش چه شد"

اعدا مهی وحشیانه رژیم با دزد خود را نیز ساخت، اعدا مهی بهر ما رعب و وحشت کین و نفرت خلق را نیز میقل داد و اینک به نفعی خود بدل شده است. اینک رعب و وحشت از قله خود گذشته است و به سراشیب غلظیده‌ها ما هرا اعدا مکین و نفرت خلق را فرونی می‌دهد. و این خود یکی از علل اعدا مهی پنهنی رژیم است. اما باید گفت پنهنی ما ندان اعدا مهی رژیم زخم مردم و کاهش تعداد اعلام شده در بخشی از مردم بخصوص خرده بورژوازی مرفه و کارمندان این اشرا نهاده است که "اگر انقلابیون ترور نکنند کمتر اعدا می‌شوند".

بیشرو با بدبا افشاگری وسیع و گسترده حول اعدا مهی مخفیانه، نهادت انقلابیون اسیر در زیر شکنجه و عدم اعلام سیاسی اکثریت آنها، خشم و نفرت توده‌ای را هر چه بیشتر دامن زده و در راستای شعار "آزادی زندانی سیاسی" مست و سودهد.

رقفا! رهنمودهای مکرر رگان را - (بخصوص در مقالات دربار زندانیان سیاسی و مقاله اول ارزیابی ذهنیات - شهرپور مهر) - فعلاً لانه بکار گیرند با بدبا استفاده از حداکثر توان و نهایت فداکاری به توده‌ها نشان داد که رژیم درمانده معیشت تراز نیست که هر چه بگذرد با فایده است و انقلاب نیرومند تر از پیش تداوم مییابد.

ب: اخراج: اخراج و در پی آن بی کاری در این وضعیت فلاتک با اقتصاد ملی تمام افرادی را که نیروی کار خود را میفروشند تهدید میکند و عدم وجود امنیت شغلی مشکل عمومی توده‌هاست "حرف بزنی اخراجی" این محور عمده‌ای را در گزارشات کارگری - کارمندی تشکیل میدهد و نشان دهنده نقش بسزای ترس از اخراج و بازداشتن آنها با لایحه کارمندان از اعتبارات آشکار می‌باشد. این امر در مجموع گزارشات ماههای اخیر بخوبی با رزاست اما در مقطع مورد بررسی بخصوص آذرها ترس از اخراج بمرور وقت نموده است و ذهنیت "خوب اخراج کنند، بالاتر از سیاهی رنگی نیست بیشتر در میان کارگران و دانش آموزان و کمتدر در میان کارمندان گسترش مییابد. در گزارشی آمده است "موقعی که یک کارگر شدیدا به حزب اللهی ها اعتراض میکرد و حرکات آنها را مسخره میکرد چندان کارگر میگفتند: "نکنند هوای اخراج سرت زده است" و در گزارشی دیگر "اخراج مسأله عمده کارگران است و محور بحث های آنها - می‌باشد هر کجا که میروی نگرانی موج میزند" در گزارشی از یک اداره آمده "به چند قسمت اداره رفتم همه زمره اخراج های دسته جمعی میکردند و از این مسئله نگران بودم که کارگری خطاب به کسانسی که در بخش کار میکردند میگفت "چرا - میخواهند اخراجمان کنند؟ چون حقمان

را میخواهیم" و یک کارگر زن میگفت "باید یک کاری کرد، امروز اون فردا من و پس فردا یکی دیگر را اخراج میکنند" - کارگر زن جوانی میگفت "اگر بخواهم هر چه اینها میگویند از ترس اینکه با کسی نشویم انجام دهم یک زمانی می‌بینی که همه چیز و جانمان را هم ز دست داده ایم بگذار بر برونمان کنند کارگر ۲۸-۲۷ ساله ای میگفت "با نا ترس اینها همه اش دروغ است آنها اینقدر از ما میترسند که حدنادر فقط میخواهند ما را بترسانند، در غیر اینصورت اگر بخواهند با کسی از کنند اصلاً با بدمدر کارخانه را ببندند" آقای کارمند من میگفت "بچه‌ها را دارم میگفتند آنوقت ما را از اخراج میترسانند" مستخدم یک وزارتخانه میگفت "هر چی میشه ما را از اخراج میترسانند خوب اخراج کنند - وضعمان بد است بدتر میشود"

ج: جاسوسان: در میان عوامل ذکر شده، با استناد به گزارشات ما، جاسوسان رژیم مهمترین عامل در جلوگیری از بروز علنی اعتراضات توده‌ها میباشد. اگر چه رعب و وحشت موجود از آنها بتدریج تضعیف گشته است اما هنوز از میان نرفته است و در وجه غالب هر کجا که وجودشان احساس شود بحث‌های سیاسی غیر مستقیم و محتاطانه - میشود و با اصلاً قطع میگردد. وقتی کارگری رژیم را مسخره میکند کارگر دیگر میگوید "دیگه از این حرفها نزن، میگویند ضد انقلابی، دیوار موش داره، موش هم گوش دارد"، کارگر اولی گفت "نه با ما ریش دارد" خانم فقیری در صف گوشت با اشاره به یک زن چادر مشکی به پشت سرش میگفت "نمی‌توانیم حرف بزیم" خانم دیگر گفت "چادرش کوتاه است معلوم است حزب اللهی نیست حرف را بزنی" در صف خانم می‌گفت "خانم از لهجه اش معلوم است تبریزی است پس مطمئن باشید حزب اللهی نیست حرف - تا ن را ادا مدهید، یک روستائی میگفت "در این شرایط حرف زدن و درددل کردن هم خطرا ردتا خواستی حرف بزنی یا با یکی درددل کنی این ها سوسها میروند خسر میدهند همین سهمیه قند و شکر هم قطع میشود" یک حزب اللهی در تاکسی رل مخالف دولت را بازی میکند، مردم می‌فهمند بعد از بیاباده شدن او یکی بلند میگویی "فکر کردند مردم خر هستند نمی‌فهمند ما واک جدیدی را مون درست کردند ما یک بقیه در صفحه ۱۲

ارزیابی ذهنیات توده‌ها

بقیه از صفحه ۱۲

عمر ساواک را دیدیم جی فکر کردید همه تا تید کردند...
اما خشم و نفرت توده‌ها نسبت به ساواک و حزب اللهی نیز در تک تک گزارشات موج میزند و در عمومی ترین شکل خود با عفت، نقیض است که مردم آنها را بطور خود بخودی طرد کنند. اما در مقطع ایران - آذر، علاوه بر آن طرد فعلی و رودروشی مستقیم با آنها نیز تلاش داشته و خط و نشان کشیدن برای حاکمان نمود آشکار می‌باشد. در جمعندی یکی از رفقا آمده است "حتی حزب اللهی ها - شروع کرده اند به اینکه حزب اللهی - نیستند در گزارش دیگر آمده "مردم - ساواک را بخوبی تمیز میدهند و سعی می‌کنند با آنها حرف نزنند خلاصه ساواک و مزدوران رژیم در میان توده‌ها منسوی هستند جوان زحمتکشی در قهوه خانه‌ها یا تار به یک جاسوس محله با صدای بلند - خطاب به عده‌ای گفت "یک مشت مادر... برای سودجویی میروند مردم را میفروشند" فرد حزب اللهی بواشکی سرش را برگرداند و هیچ چیز نگفت. یک آشنگر گلانی در شمال میگفت "اینا عهه خانوار هستند واقعا" مزدور توده‌ها اهلای تمیز گرفته ایم خانه - هایشان را آتش بزنیم آنها مزدوری - می‌کنند ما هم بنگار را، مگر زن بچه ما چه گناهی کرده اند که خوب این مزدورها را بخورند" خانم خانه‌ها را میگفت من تمام خانه‌های حزب اللهی‌های بد رنگ را نشان کرده‌ام، حساب همه شان را میبرسم بگذار - انقلاب بشود" خیاط محل میگفت "بالاخره یک روزی میرسد که این ساواک را قلع و قمع کنیم حسابان را تو دستشان - بگذاریم ساله ترورهای سرخ اعضای باندهای سیاه تا شیراز زیادی در - کارخانجات و محلات نهاده است بطور مثال یک حزب اللهی بعد از یک مورد ترور سرخ ریش خود را از ترس زده است و تمام سعی کارگران فیمیده اند تا در کارخانه دیگری پس از ترور یک عضو انجمن اسلامی، بقیه انجمنی‌ها به میان کارگران آمده به زبان سبزی‌بانی میگفتند ما هیچگاه راه ایم و مسافر دست کشیده ایم و... موا در بخورد - توده‌ها با ساواک و حزب اللهی هادر - مقاله "بررسی اشکال مقاومت و مسأله توده‌ها - ۲" آمده است.

تقابل توده‌ها با ساواک و حزب اللهی در توده‌ها و خود به مزه - انقلاب انجمن‌های اسلامی در کارخانجات رسیده است. حتمی در اعتصاب شکوهندا ایران تا سیون سال

انحلال انجمن اسلامی جزء یکی از خواست - های مطروحه بوده است. میتوان گفت انحلال انجمن اسلامی خواستی سیاسی است که پس از خواست مقابله با اخراج در سیر و بهر شد مسا زات توده‌ها از طرفیت جذب همگانی برخوردار است. در شرایط کنونی این مسأله در کارخانجات (نسبت به مدارس و ادارات) از زمینه طرح عینی تر مسا عدتری برخوردار است. در ضمن گزارشات نشان میدهد هر سه زدن به مراکز جاسوسی و معازات انقلابی ساواک - منفور و شناخته شده با لایح در حین حرکات اعتراضی و با تبلیغ گسترده سیاسی در بالا بردن روحیه مبارزات توده‌ها نقش مؤثری دارد. مثلا معازات مزدوران رژیم در هنگام سرکوبی و برچیدن دکه‌ها با تبلیغ و پیش ترانکت در اطراف آن - با معازات مزدوران انجمن اسلامی پس از سرکوب اعتبار با ایران تا سیونال و اعدام کارگران قهرمان آنجا - کارگری میگوید "ساواک من منظم تر شکارند، حرف بزنی یا اخراجی یا اعدام، این سه عامل هنوز قافله در بند بروز - اعتراضات توده‌ها مایه ریزند و سرعهده پیرو است تا با یکا رگیری مناس تر بین اشکال مبارزه هر چه وسیع تر به مقابله با آنان برخیزد چنانکه گفتیم به خواست اصلی محور مبارزات توده‌ها در مقابله با این سه عامل با زدن دکه‌ها است - آزادی زندانیان سیاسی، جلوگیری از اخراج و بازگشت اخراجیون با انگا - به صندوق بیگاری - انحلال انجمن‌های اسلامی و معازات انقلابی ساواک - عدم اعتماد به پیروزی انقلاب در نتیجه عدم اعتماد به رهبری جنس :

این عامل ذهنی که عمدتا "به حساب" تا تمام شدن انقلاب با وعده و وعده‌های دروغین خمینی شکل گرفته است بیشتر در اقصای خرد بورژوازی مرفه غالب است. و در اقصای ثینی و بخصوص کارگران - ضعیف می‌باشد. چه فایده یکی می‌آید از این بدتر و یا "یک بار انقلاب کردیم - بمان است" ذهنیتی است که در اوج خود تا میدی وی تفاوتی را در پی دارد. عدم اعتماد به پیروزی انقلاب بیده‌های همگانی نیست اما عدم اعتماد به رهبری جنس - نسبتا "عمده می‌باشد و اقصای ثینی و کارگران را نیز در بر می‌گیرد که در این وجه علاوه بر خیانت رهبری در فیم و تحارب علمی مردم در رابطه با خمینی، برخورد های غیر فعال و عدم حضور مشخص پیروان - مسا زات توده‌ها نیز نقش مسا را بقضا میکند. توده‌ها که اعتماد دگور کورا به خمینی را تجربه کرده اند دیگر بدستی حاضر نیستند

به آسانی تن به رهبری دیگر رهبری - نا شناخته بدهند. همین عامل ذهنی بخشی از پتانسیل مبارزاتی آنها را به بند کشید است. رفیق ارشاد گزارش میدهند "توده‌ها اینک در برخورد به واقعات موجود و پذیرش رهبری دیگر از خود تردید نشان میدهند هر چند در محاورات روزمره از محاهد و دیگر نیروهای انقلابی حمایت می‌کنند ولی در عمل هنوز مردد هستند البته با تفکر می‌کنند که ایندفعه ما بدر رهبری ارشاد خست و بعد به دنبالش راه افتاد "در گزارشی دیگر آمده "اقشاری از مردم میدی به پیروزی انقلابی دیگرند و توده‌ها استناد به قیام این امر را بی نتیجه خوانند و از پیرو در برخورد های تفاوتی نشان می‌دهند خانم چادری خرد بورژوازی متوسط میگوید "بعدها که بیاد من این است خود منون پدر خود ما را در آرزو داریم هر کسی بیاسد همین است" را تشنه شمالی میگفت پس چهره مسووطه یکدفعه حرف زدیم شعار دادیم برای هفت ساعت پس است یک کارگر با خمنا می میگفت "یک دفعه فریب خوردیم کافی است ایندفعه ما بد فکر کنیم، بسنجیم و بعد مرگ بر خمینی بگوئیم یا بد صدرا داشت یک معاذ را میگفت "خود منون آوردیم که این بدستی را سر خود منون آوردیم - هی - گفتیم مرگ بر شاه اون بد سوخته رفت - یکی آمد بدتر، با ما چونمان را بخاطر - بیندازیم که چی، یکدفعه دیگر کلاه سرمان برود کارمچوان شمالی میگفت نمشود به حرف اینها هم (یعنی انقلابیون) اعتماد کرد خمینی از اینها بیشتر مرگ مردم را به سینه میرد و...
پیروان بدی را بر دست مرد توده‌ها فی تمام بدو را با اعتماد بی شایسته خود جایگزین نماید. پیروان بد در عمل، با شرکت وسیع در مبارزات توده‌ها، با سازمان دادن آنان نشان دهنده اعتماد به او و اجازت. با بد علل اصلی و ریشه‌های نا تمام ماندن انقلاب را ترویج نمود. با بد قدرت لایزال توده‌ها را به انسان نشان داد. تجربه بهترین راهها و معلم توده‌ها است. توده‌های ما اینک رژیم ضد خلقی خمینی را تجربه می‌کنند و در قتل خلع سلاح، تا سودی شوراها و عدم رشد و تکامل گیری گسترده شکل‌های طبقاتی خویش را تجربه کرده‌اند. با بد این تجربیات را با هم در آمیخت با بد این ایده‌ها را با دیگر به میان توده‌ها برد، شورای صلح توده‌ای.

و از سوی دیگر با بد پیشر بودن رادر عمل به توده‌ها تا نت کرد با بد شمع فروزان انقلاب و مسل سوزانی فرا راه توده‌ها بود آنگاه است که اعتماد توده‌ها را کتب خواهیم کرد. (دسا له‌دا رد)



وزیم خرج و رشکستی خود را از زحمتکشان میگیرند

هموطنان مبارز!

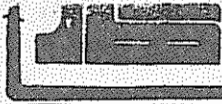
وزیم جمهوری اسلامی بر اثر زهدی‌های بی حساب و بی اول و آخره منکبت بر شرکت برای خلق ساواک بر ما به‌درازا، بر اثر شریعتی، شریعتی، زحمتکشان به حساب تا حرام با ما و بر اثر شریعتی، متاع امر با لیسنا سر و زور گرفتن تا قبول منکبت به حساب دلالت امر با لیسنا جهت هر چه آمده و... اکسور گاملا و زحمتکشان است. می‌توانیم حتی پول برهات حقوق کارمندان و دستمزد کارگران را بسوزانند.

وزیم جمهوری اسلامی می‌خواهد با زور و رشکستی خود را به کارگران و زحمتکشان بیاندازد و همین علت روز بروز قیمت‌ها را با لیسند و شریعتی و مزدورهای کارگران و کارمندان را کم می‌کند. با نیت‌ها را با بطور مسا آورده راه گرفته است و اکنون وقت است را از زحمتکشان بدهد و وسوسه نفس آسوری می‌خواهد توده‌ها را رشک کند. در منکبت‌سپاری برای مردم زحمتکشان نفس‌های جسد را بخواباند. سرده اندر نیمه‌نگاره‌ها اندر گریز دارد از بد و برفتن از فقر می‌کشم. این عسری است که در برابر زورده‌ها نه فرکار و زورده‌ها را در هم می‌پاشد پس تا بدست مردم بدست‌نکار شد.

اعترا ما تیری که با شریعتی می‌برد. با بدیا تمام اهل محل و دیگر زحمتکشان که ما به سهره‌ها هستند قصد شومی و با شریعتی خود منکبت می‌کنیم. ما به بدست خمینی با ارات و زور و زحمتکشان ما به سهره‌ها هستند قصد شومی و با ارات به شریعتی می‌بریم. با بدست خمینی از بدست پول آس و زور و خورده‌ها را رشک و تمام این اعمال شروع عسری است برای ما به بدست خمینی و شریعتی که زورده‌ها را رشک می‌کند. چون شریعتی زحمتکشان بی‌بده‌ها تا زیم جمهوری اسلامی سرکار ما بدست‌نکار می‌سازد و سرکوب و ادا می‌کند.

مختصر بگیا رچه به ما زیم جمهوری اسلامی بر می‌زند
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۶۰/۱۰/۶۵





نگاهی به مبارزات اقلیت‌های

مذهبی و ملی کشورهای در چند هفته اخیر

در چند هفته گذشته ما شاهد تعرض حاکمیت خلقی جمهوری اسلامی به حقوق و آزادیهای اقلیت‌های ملی - مذهبی کشورمان بودیم. حقوق و آزادیهای ملی که اقلیت‌های ملی - مذهبی ایران از زمان رضاشاه تاکنون به قیمت جان فشانیه و قربانیها و در طی مبارزاتسی طولانی بدست آورده بودند.

آموزش و پرورش با دادن بخشنامه‌های ۲۰ ماده‌ای مورخ ۸/۲۰/۶۰ شماره ۶۲۱۲۳ که طبق آن قانون اساسی نیم بند برپنده شدن مدارس خاص اقلیتها، تجویض مدبران اقلیتها با مدیران حزب اللهی اجرای کلیه قوانین و بخشنامه‌ها و آئین نامه‌های مدارس از طرف آموزش و پرورش منطقه سیاری از آنان مقرر است. مذهبی اقلیت‌های ملی و مذهبی می‌باشد. لطفاً لایحه‌های فوق برنا مه در مدارس (مدارس بعد از ساعات درسی بصورت انجمن‌های فرهنگی و ورزشی مورد استفاده جوانان قرار می‌گیرد) و منع تدریس زبان مادری در مدارس گردید. (طی ماده دهم این بخشنامه) این بخشنامه مرا احتساباً مقرر است که قانون اساسی دست بخت خود رژیم بوده و صد در صدگان چنین بخشنامه‌ای حتی طبق قوانین جمهوری اسلامی باید تحت تعقیب قانونی قرار گیرد! چرا که طبق اصل ۱۵ قانون اساسی تدریس ادبیات و زبان‌های قومی و محلی در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد می‌باشد. ولی در رژیم جمهوری اسلامی در رژیمی که هیچ قانونی جز قانون زور عمل نمی‌کند حقوق اقلیت‌های ملی مذهبی نیز همانند حقوق سایر اقلیت‌های میهنمان به آن‌ها نسبی با بی‌اعتنا می‌شود و فقط مبارزات برحسب خلقهاست که میتواند نرسد در مقابل این اقدامات ضد خلقی رژیم ایجاد کند. رژیم که هم از مخالفت با طرح ده ماده‌ای تیز شد میزند با بلندگوهای تبلیغاتی تیش گوش فلک را گز کرده و مدعی پشتیبانی از حقوق ملت فلسطین و ملت‌های دیگر می‌گردد. در عمل، در مورد ملت خودش تحمل پذیرفتن

ابتدائی ترین حقوق و خواسته‌ها را نداشته و تنها حقوق واقعی آنها را به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه حتی آنچه را هم که تاکنون به رسمیت شناخته و در قانون اساسی لایحه تصویب رسانده تا دیده گرفته وزیر پرا می‌گذارد.

در پی صدور بخشنامه ۲۰ ماده‌ای به مدارس اقلیت‌های ملی - مذهبی، علی‌رغم جو غفیان موجود، این اقلیت‌ها اعتراضات خود را علیه آن ابراز داشته، دست به مبارزه‌ای گسترده زدند. زن کارمند - پنجاه ساله، ارمنی با تگاری و فشمسور می‌گفت: "در زمان رضاشاه هم همین طسور بود. تدریس زبان ارمنی ممنوع بود. به خاطر دارم که معلمی برای درس دادن ارمنی به خانه ما می‌آمد و در حالیکه پدرم سر کوجه کشیک می‌کشیدم و برادرم در خانه ارمنی می‌خواندیم. این تازه - اولش است. من فکر می‌کنم بعداً به ارمنی - ها بگویند یا مسلمان شوید و یا شمسار می‌کشیم. مثل قتل عام ارمنه توسط دولت عثمانی خواهد شد. اینها خواهند شد" غیر مسلمانها را بکشند یک دختر جوان ارمنی می‌گفت: "اگر کلیسا را می‌بستند اینقدر اعتراض نمی‌شد" بدینال فشارهای جمهوری اسلامی بخش زیادی از جنگشان را منتهی از اجازه‌ای که دولت شوروی داده رهسپار رمنستان شوروی شده‌اند.

بالخره رژیم تحت فشار توده‌ها مجبور شد به عقب نشینی شده و در روزنامه "اطلاعات یکشنبه یکم آذرماه ۶۰ اعلام نمود: "اداره کل آموزش و پرورش تهران امروز طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد پیرو بخشنامه مورخ ۲۸ آبان ماه جاری مربوط به تدریس زبان در مدارس اقلیت، به اطلاع کنیسه مدارس می‌رساند. طبق اصل ۱۵ قانون اساسی... تدریس زبان قومی و محلی در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد می‌باشد و اما این اقدام رژیم به نفع اقلیتها و بورژوازی اقلیتها از جمله دانشکهای ارمنه دادا جای ناشی محکم کنند و از حربه‌ای که سابقاً دراز استفاده کرده‌اند یعنی تحریک احساسات ناسیونالیستی

مردم با رد بگره نفع خود بهره جویند. - مسائل را که می‌بایست از دید طبقه وسیله ملی بررسی شود تنها از دید تنگ نظرانه ارتجاعی تا سیونالیستی حل کنند. این جریانات ارتجاعی در فکرسو استفاده از افرمتهای برای تحکیم موقعیت متزلسول خود می‌باشند و سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی بهترین فرصتها را برای آنها فراهم می‌آورد. از طرف دیگر زکا ران فرصت طلب اکثریت و حزب توده از دیدگاهی دیگر در خدمت این سیاستهای ارتجاعی قرار می‌گیرند و عملاً در کنار ارتجاعیترین جریانات قرار می‌گیرند. این نیروها پس از آنکه ماده دهم از طرف دولت مفسر با قانون اساسی اعلام شد از مردم خواستند به خانه‌هاشان بازگردند زیرا معتقدند که اینکار به نفع آمریکا تمام می‌شود. در حالیکه اگر گوشه‌ای نشینند و چشمی برای دیدن و قلبی برای تبیین می‌داشتند به یاد می‌آوردند که این بخشنامه‌ها و عملکردهای رژیم است که به نفع آمریکا تمام می‌شود و نه اعتراض توده‌ها.

در این میان و تلافی نیروهای انقلابی می‌توانست و میتوان نقدی تعیین کننده درست سوی انقلابی دادن به این مبارزات ایفا نماید. نیروهای انقلابی با وجودیکه مخالف سرخست با ناسیونالیسم افراطی که منجر به بنی شونیستی و فاشیستی می‌گردد هستند، ولی همواره - موافق پیشبرد و ترقی فرهنگ مترقی، آداب و رسوم ملی که منجر به تکوینی فرهنگ یک ملت و در نتیجه موجب تکوینی فرهنگ انترناسیونالیستی برای همه کشورهای جهان می‌گردد هستند. و هر آنکس که مخالف آن باشد خود مدعی بودی فرهنگ و آداب و رسوم قوم و ملتی را داشته باشد، در مقابلش شدت می‌یابند. ما معتقدیم که مسائل اقلیتها جدا از مسائل کلی جامعه نیست و پیوند تنگاتنگ آن دارد و در همین رابطه نیز حل خواهد گردید. وقتی حکومتی ضد خلقی بود، حقوق اقلیتها و ملت‌های مختلف نیز مانند حقوق کارگران و زحمتکشان و سایر اقشار خلق نفی خواهد شد. در مسک حکومت دمکراتیک و خلقی اداره می‌شود و مواسات ملی و فرهنگی به شوراهای مدبران و دبیران بودنی آموزش و اولیا مدارس آن قوم و ملت و اگذار می‌شود و آموزش و پرورش ارمنی، ترکمنی، کلبی، آشوری و... با بدتر تغییرها همه سهمیه‌ها خود تنها علائق ملی او را به محنه سازند نگاشند. زیرا مسئله ملی جدا از مسائل طبقاتی جامعه قابل حل نیست.

اخبار کارگری

بقیه از صفحه ۴

اعضای هیات موسس اعلام کرده‌اند ما دام که مبارکات کارگران همگانه باز نگردد، آنها نیز نخواهند مدد و بدینوسیله با بیگیری و همبستگی شکوهندشان با برین زادعوت به مقاومت می‌نمودند. کارگران ایران با آغوش ستاروشن شدن هر چه سر می‌متروخ همکاران اخراجی شان هستند و می‌بایز برای مبارزه کردن آنان همچنان ادامه دارد.

کارگران خراسان خراج دسته جمعی کارگران روز مسزد تحلیلی سیاستهای ضد کارگری رژیم در تاریخ ۶/۱۰/۱۶۰ تهیه کارگران - نفت با ش به همراه سایر کارگرانی که از اعتبارات این شرکت استفاده می‌کردند اخراج شدند. کارگران اخراجی که پیش از ۷۰۰ نفر هستند همگی روز مزد بوده و

برخی از آنان بین ۲ تا ۶ سال سابقه کار داشته‌اند. متوسط آنها حدود ۲۵ سال می‌باشد اما افرادی با سن ۴۰ تا ۵۵ ساله نیز در بین آنها دیده می‌شود. این کارگران عمدتاً "هل روستاهای خوزستان بوده و اکثراً از زحمتکشان عرب و لیسر می‌باشند که بصورت فعلی کار می‌کرده‌اند آنها که بطت جنگ ارتجاعی خانه و زندگی خود را از دست داده‌اند اکنون نیز از حق داشتن کار و دستمزد نا چیزی که به زحمت کفایت زندگیشان را میداد محروم گشته‌اند.

کارخانجات مهم تسازی اخیراً فرم‌های به کار رهن این کارخانجات داده‌اند آنها از آنها گرفته‌اند تا در صورت مشاهده حرکتی علیه جمهوری اسلامی مسئله را گزارش دهند. در واقع آنها آنها را "به عضویت سازمان اطلاعات ۴۶ میلیونی درآمده‌اند! حرکت سزاواک ما نند حضرات می‌باشد اطلاعات رژیم منحوس پهلوی را زنده می‌کنند که سعی می‌کند کارگران را وادار به همکاری با ضد اطلاعات کند تا علیه منافع خود به دستگوان خدمت نباشند این حرکت موجی از تنفر و انزجار کارگران

را علیه رژیم برانگیخته است و این نشان دهنده رشد آگاهی سیاسی آنان است.

شرکت پنهان (پشتیبانی و نوسازی هلنگویتهای ایران) کم‌کاری و بی‌ثباتی آمدن بازدهی کار آنچنان محسوس گردیده که مدیریت حزبی اخیراً بخشنامه‌ای در این مورد صادر نموده است. در این بخشنامه آمده است که روای قسوت ها و نمانندگان شورا با بدنام گسا نیز اگر همکاری نمی‌کنند و به کم کاری مبادرت می‌نورزند کمیته داری شورا را رسال دار حجت تحت بگرد قرار گرفته و احیاناً "به دادگاه انقلاب اصرافی شوند. کارکنان در برخورد با این بخشنامه و اینگونه تهدیدات اغلب به سخره کردن آن می‌پردازند. کارکنان پنهان بویژه عدم وجود امنیت خلقی را عامل اساسی کم کاری میدانند. آنها غالباً در صحبت‌های خود میگویند: "وقتی دوستان در زندان هستند بطور ماسا دستمان به کار می‌رود؟" و یا "ما بدفرد نیست ما با شد...

اختلافات تاکتیکی

شماره ۱ صفحه ۱

سرت مشائخ خودده تنها قادر به حل آن نیست، بلکه مدام با دامن زدن به تضادها و تناقضات موجود بر عمق و ژرفای آن - می افزایند و این خودنگانهای مسدود تازه تری در میان هیئت حاکمه بدیدیدند می آورد.

در مراحل اولیه پیش از قیام این - شکاف درونی هیئت حاکمه در تضادها و تقابلهای میان دولت سازرگان و شورایی انقلابات روزگرم تمام ما شین دولتی را فراگرفت. در یکسوزگانها و نهاددهای سنگری رژیم سلطنتی، ارتش، پلیسی، دادگاهها و نظام بوروکراتیک و درسی نگرددندهای ملخ تازه دوران رسیده. ساد، گنبدنهها، دادگاههای شریکی - انحصار و نهاددهای بوروکراتیک - مذهبی تازه ایجاد شده ترار گرفتند.

از یکسوزگانهای امان توده های مردم و از سوی دیگر همانا تناقضات درونی ارگانها و سازمانها بود که هیئت حاکمه بتواند بر بحران موجود فائق آید. از این رو بس از مدتی - جند تضادها به جنان مرحله ای از تکامل خود رسیدند که شکاف درونی هیئت حاکمه مدام عمیق تر شد و سرانجام به طرد جناح بازرگان از حاکمیت انجامید. بس از کناره گیری بازرگان و دولت موقت، دوباره این تضادها در شکلی دیگر بروز کرد، شکافهای تازه ای بدیده آمد و این بار مورد رگرسیبیا و اختلافات بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی بود. تشدید این تضاد در دست درهنگامی که بخش وسیعی از توده های مردم از حاکمیت بریده بودند، به جنان مرحله ای از تکامل خود انجامید که چیزی نمانده بود به جنان شکافی عمیق در درون هیئت حاکمه منجر شود که با رضایت عمومی در درون این شکاف زبانه کشد و رژیم راهبردی کونی قطعی بکشد. اما جناحی از هیئت حاکمه یعنی سران حزب جمهوری اسلامی توانستند با استفاده از اهرمهای قدرت دولتی، با تکیه به ارگانهای سرکوب غیر رسمی دولت یعنی باندهای سیاه و با استفاده از نفوذ خمینی که بخاطر اعتقادات ریشه دار مذهبی هنوز در میان مردم از نوعی نفوذ مبنوی برخوردار است، بر این شکاف درونی فائق آید. روشن بود که فائق آمدن بر این شکاف که پیش شرط هرگونه حل بحران سیاسی بود نمی توانست جز با توسل به سرکوب و اختناق عیان گسختنه عملی گردد. زیرا از یکسوزگان بود که با استفاده از با توریته ترین وسایل از نسقم ما شین سرکوب و بروز علنی نارضایتی در کل سیستم حاکم جلوگیری شود و از سوی دیگر نارضایتی عمومی شدت سرکوب گردد. از اینرو حزب جمهوری اسلامی، تاکتیکی را برگزید که بصورت یکی از تاکتیکیهای شناخته شده مرخمین تاریخ، سوبی - سوز و ازیمت، حزب جمهوری اسلامی، عملی نمودن برنامه سرکوب خود را که از مدتی پیش تنظیم کرده بود و ما چند ماه پیش از ۲۵ خرداد منیک مقاله مفصل به بررسی آن پرداختیم - به مرحله اجرا در آورد و هنوز در مرحله ای که توده ها سحوقاطع آماده سرنگونی هیئت حاکمه نبودند یعنی زمانی که هنوز انقلابا انقلابی سبک مومست انقلابی منجر نشده بود، هنوز همه توده ها به عرصه مبارزه فعال علیه رژیم جمهوری اسلامی کشیده نشده بودند، و هنوز تضادها به مرحله انفجار انقلابی خود -

نرسیده بودند دست به یک پروکامیون زد، محاهدین خلق نیز که در آن مرحله حسنی فعالترین نیروی سیاسی جامعه بودند آگاهان و نوابگانها نه در دام تحریکات رژیم گرفتار آمدند و به تحریکات آن - میدان دادند. این امر زمینه را برای سرکوب عیان گسخته رژیم برقرار کرد - حققان فراهم آورد. سران حزب جمهوری اسلامی که اینک بلا منازع همه اهرمهای قدرت را به دست گرفته بودند، به سرکوب هرگونه صدای اعتراضی پرداختند، حتی تریبونهای که میتوانست منعکس کننده اختلافات درونی هیئت حاکمه باشد، تعطیل شد، موج سرکوب سازماندهای انقلابی و بازداشت اعضاء و هواداران آنها آغاز شد. بازداشت و اعدام ابعاد کم نظیری به خود گرفت، تنقیه کارگران کارمندان و دانش آموزان شدت گرفت. رژیم جمهوری اسلامی توانست با توسل به چنین تاکتیکی موج رعب و وحشت را ایجاد کند و به تنها بر یک کاف درونی هیئت حاکمه فائق آید بلکه گامهای نیز در جهت حل بحران عمومی سیاسی جامعه بردارد. اما این امر نمی توانست منجر به تثبیت قطعی رژیم و حل قطعی تضادهای درونی، جلوگیری از شکافهای آتی و حل نهایی بحران سیاسی گردد. زیرا هنوز از یکسوزگان در درون ما شین دولتی و پابدهای مادی آن یعنی ارتش و بوروکراسی با برجاست. مذهبی کردن روئینای سیاسی به تضادهای فاحش اجتماعی دامن میزند، و با متحرکز - تر شدن قدرت حاکمه در دست قشری محدود، تضاد میان زیربنای اقتصادی و روئینای سیاسی تشدید میگردد و از سوی دیگر توان اقتصادی محدود رژیم نیز عامل دیگری در جهت توانی رژیم محسوب میشود. از اینرو مدتی نگذشت که دوباره تضادهای درونی هیئت حاکمه علنا - و آشکارا بروز کرد. اگر تا کنون نیروهای بیرونی بیرون خط امام شناخته میشدند چون کلی منجم در سایر جناحهای - لیبرال به مبارزه بر می خاستند و با لاقل تضادهای آنها نموده محسوس نشادست، این با رتضا دمای بیرونی خط امام در شکل تضاد میان حزب جمهوری اسلامی و انجمن حتی به ضدبها شیت تشدید شد. و منجر به شکافی تازه در درون ارگانهای مسلح و نهاددهای بوروکراتیک با مطلع مکتوسی گردید. تضادهای در درون پناه با مداران انجمن های اسلامی، نهاددهای بوروکراتیک مذهبی، و در درون خود روخا شیت با مطلع بیرونی خط امام بروز کرد. گرچه این تضاد هنوز به مرحله خود سرسیده و منجر به شکاف تازه نشده است، زیرا این تضاد خود انعکاس و تالیقی از مسازرات توده های مردم که هنوز یکبار دیگر به مرحله خود آشکار خود بر سر آمده است، با این وجود خود سبناگر تناقضات لاینحلی است که کل هیئت حاکمه را فرا گرفته است. هیئت حاکمه، قادیسه حل بحران اجتماعی کنونی نیست، هر گام در جهت حل این بحران الزاماً منجر به تناقضات تازه و تشدید تضادهای موجود خواهد شد. این تضادها و شکافهای مداوم نه ناشی از ماهیت طبقاتی متفاوت - جریانات درونی هیئت حاکمه، بلکه باز - تاب اجتنابناپذیر بحران اجتماعی عمومی موجود و وحدت تضادهاست. حتی رژیمها که از استحمام بالینسه بالایی برخوردارند، و اینجنین با تناقضات و تضادهای هیئت حاکمه کونی روبرو می شود، هنگامیکه یک بحران جامعه فرا گرفت، عمیقاً "شکاف برداشت. امروز جریانات درون هیئت حاکمه در برخورد به بحران موجود و حل تناقضات لاینحلی که با آن روبرو شده است

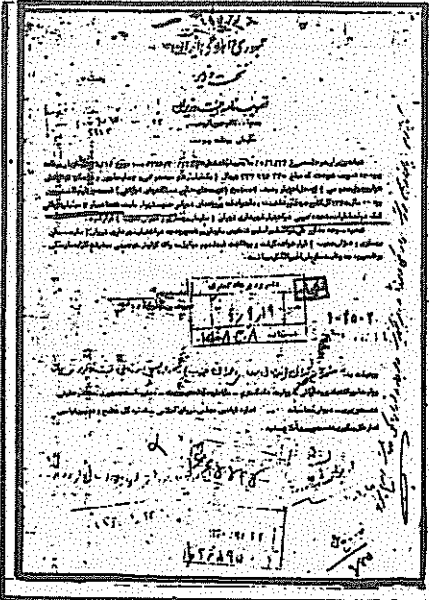
به تاکتیکیهای کونا کونی منوسل شده اند اختلافات آنها در همان حاز کداسکایی بحران جامعه است، اختلاف بر سر تاکتیکی و شیوه حل بحران محسوب میشود. از یکسو جناحی که رهبری آنرا سران حزب جمهوری اسلامی نظیر قسنجانی بر عهده دارند، هنگام با سرکوب توده ها خواهان اجرای برخی رفرمهای بوروکراتیک در جهت حل بحران می باشند. این جناح مقابلیه با بحران موجود را از یکسوزگرمترکز و کنترل ارتحای - بوروکراتیک تولد، توزیع و مصرف انجام می دهد و رفرمها در زمینه - های ارضی، اتحادهای تاکتیکی با رفرمیستهای اکثریتی وتوده ای و مناسبات نزدیک تر با شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، در جهت مقابلیه با وضعیت بحرانی کنونی میداند. این جناح گمانشست خواهان اجرای سیاست - هائی در عرصه های اقتصادی و سیاسی - نظیر سوبیه است. اما هر گام - اجرای برنامه های آن ندرت توری سبک در عمل نیز با سد مقابلیه ها و مخالفتیهای جناح دیگر روبرو میگردد. این جناح هر چند بصورت نا شناخته و مرز عمل نمیکند، اما در تمام نهادها و ارگانهای حکومتی از نفوذ و اقتدار قابل ملاحظه ای برخوردارند. این جناح که از طریق پیوند هر چه نزدیک تر به غرب خواهان حل بحرانند، و هیچگونه وحدت تاکتیکی را نیز با رفرمیستها و پیوندهای نزدیک تر کشورهای سوسیالیستی نمی پذیرند، در پشت این احکام اسلامی سنگر گرفته اند و از پشتبنایی مراجع قدرتمند مذهبی چون گلشایگانی و خوئی برخوردارند، و در دولت نیز نمایندگان خود را ولایتی توکلی و پرورش دارند. آنها شیدا - گرا بیات مذکور نیستی خود را با دفاع از سرمایه و در پشت احکام اسلامی بنیان - مدارند، از نظر آنها هر گونه محدودیت با لکیت، هر گونه امتیاز به عنازل مذهب و هر گونه امتیاز به سوبال رفرمیستی که از نظر آنها خطرا بقوه نفوذ است - محسوب می گردند، محکوم است. دمنمی بسا نیروهای انقلابی و مترقی در ذات سیاست های هر دو جناح نیفته است. اما اختلاف آنها بر سر تاکتیکیها، متحدین موقتی و راه برورن رفت از بحران است. در این میان گرچه جناحی که رفسنجانی آنرا نما بندگی می کند، از حمایت خمینی نیز برخوردار است، و خمینی در نامه ای کسه به مجلس شوش متذکر شد تا وقتی که سر وجود دارد (که منظور از شرحش توده ای و اعتراضات توده ای است) می تواند، مجلس می تواند برای حفظ نظام موجود، مقررات و ضوابط اسلامی را نیز پشت پا بزند. و در حقیقت از مجلس در برابر شورای نگهبان دفاع کرد. اما با این وجود سخا طرف قدرت جناح دیگر هنوز نتوانسته است گامهای مؤثری بردارد. این تضادها اکنون خود به عاملی در جهت تشدید بحران و رشد نارضایتی توده ها بدل شده است. گرچه اکنون بدلیل کاسته شدن از حدت مبارزه آشکار توده ای، این تضادها هنوز سبک شکاف عمیق در درون بالابها منجر نشده است، اما وحدت یابی مبارزه آشکار توده ای با این تضادها دامن خواهد زد، و تجلی این تضادها را بصورت یک شکاف عمیق در خواهد آورد.

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید



ادامه کمکهای مالی امارات متحده عربی به رژیم ایران

طبق قرارداد بی کریمی شاه با امارات متحده عربی منعقد کرده بود مبلغ ۷ میلیارد ریال از سوی امارات متحده عربی به رژیم شاه اعتبار داده شده بود که تمامی آن هم اکنون نیز از سوی این کشور پرداخت میشود و طبق سند چاپ شده از محل این اعتبار در بودجه سال ۶۰ مبلغ ۱۳۲۲۹۹۶۳۰ ریال در اختیار شهرداری تهران قرار گرفته است. وابستگی دولت امارات متحده عربی به آمریکا بر کسی پوشیده نیست حال با توجه به این مسئله که امارات متحده عربی همچنان به کمکهایش به ایران چه در زمان شاه و چه در شرایط کنونی ادامه میدهد بیانشان این امر است که دولت جمهوری اسلامی ایران نیز همچون رژیم شاه مورد تأثیر رژیمهای مرتجع منطقه می باشد.



خمینی میگفت زندانیان راه پارک و موزه تبدیل می کنیم!!

یکی از شمارهای اصلی خلق مبارز ایران قبل از قیام، آزادی زندانیان صبا می بود و خمینی نیز برای غریب مردم می گفت: شاه کشاورزی ما را نابود کرد و قبرستانهای ما را آتشی کرد و ما در جمهوری اسلامی زندانیان را تبدیل به موزه و پارک خواهیم کرد. ولی خمینی چنان بیگانه نشناخت که این سخنان خود عمل نکند بلکه موزه ها و پارکها و ورزشگاهها حتی اصطبلها و کارگاههای آموزشی نیز تبدیل به زندان شدند و بسیاری دیگر تصایف ایران تبدیل به زندانی بزرگ شده است در سند زیر که تا به دادستانی انقلاب به شهر به مدیرکل سازمان آموزش فنیسی و فنپوی انبیا می استان ما زندان می باشد سند است. ضرورت صبر جهت احداث ساختمان ندامتگاه به شهر و وصله کسب مکان از نظر نگهداری زندانیان مطرح شده است و دادستان با اصلاح این مطلب به شهر را به این دادستانی جهت تبدیل آن به زندان نموده است.

رد	مبلغ	تاریخ
۱	۱۰۰۰۰۰۰۰	۱۳۶۰/۰۱/۰۱
۲	۲۰۰۰۰۰۰۰	۱۳۶۰/۰۱/۰۲
۳	۳۰۰۰۰۰۰۰	۱۳۶۰/۰۱/۰۳
۴	۴۰۰۰۰۰۰۰	۱۳۶۰/۰۱/۰۴
۵	۵۰۰۰۰۰۰۰	۱۳۶۰/۰۱/۰۵
۶	۶۰۰۰۰۰۰۰	۱۳۶۰/۰۱/۰۶
۷	۷۰۰۰۰۰۰۰	۱۳۶۰/۰۱/۰۷
۸	۸۰۰۰۰۰۰۰	۱۳۶۰/۰۱/۰۸
۹	۹۰۰۰۰۰۰۰	۱۳۶۰/۰۱/۰۹
۱۰	۱۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۳۶۰/۰۱/۱۰

روشن نمایند و گمبسته های مشترک مخفی جنگ زدگان را در برابر ایران سازمان دهند و توسط آن مبارزات توده های زحمتکش و جنگ زده را سازمان دهند و از مواقع حقوق آنها بکسب کنند و در صورت امکان دست به تشکیل شورای جنگ زدگان و سایر تشکلهای دمکراتیک وطنی بزنند. با بدبختی توده ها نشان دهند تضار راه برقراری طبعی دمکراتیک و عادلانه بین ایران و عراق است. کنونی رژیم ضد انقلابی کنونی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق می باشد. در این میان وظیفه کارگران پیشرو و بخصوص کارگران پیشرو و جنگ زده پس خطیر و عظیم است. این رفقا موظفند کلیه کارگران انقلابی و مترقی را متشکل نموده و با این شکل، پیگیری پروتکلها را - شی خود را در سازماندهی مبارزات جنگ زدگان و دفاع از حقوق جنگ زدگان قرار بدهند تا پیگیری سازمانها را متشکل بکنند و در صورت امکان مگر آنکه فضا لانه در مبارزات خلق و در این مورد خاص در مبارزات جنگ زدگان شرکت نمایند. کارگران جنگی را سازماندهیم و از حقوق آنان بکسب کنیم.

سنگینی میکرد می گفت: "در این مدت همه ای برای عراقی ها تا ن بختن اما اینک مردمستان از اسارت عراقی ها رهایی یافته و به اسارت ارتش و سپاه ضد خلقی و حکومت خدانشی جمهوری اسلامی در آمده اند. بعد از تصرف شهر بدترین رفتارها با زحمتکشان بستان صورت گرفت آنها را چون گوسفندان با باروشنه نا چیز - شان بر پشت گام میوشنا و وانست بارها با رگ و روه روانه اردوگاهها "حر" و "شهرهای رامهرمز و بیجان ... کردند بدون آنکه کوچکترین امکاناتی برای زندگی آنها فراهم کرده باشد و وسیله تهمتها، فحشا، حتا کی با این زحمتکشان آغاز شد. اکثریت این زحمتکشان به اتهام همکاری با عراقیها که منجر به سقوط بستان توسط عراقیها شد در بازداشت بصری برند. جوانان مرتب تحت شکنجه و ذیت و آزار قرار میگیرند که چرا در بستان مانده اند و با عراقیها همکاری کردند. پاسداران ضد خلق و جنایتکار با لحن کثیف و توهین آمیزی نوزادان را حاضر مزاح و عراقی قسی خط ب کرده و نسبت به زنان جوان با چشم بدکاره نگاه میکنند. آهانت و بدرفتاری با این زحمتکشان ابعادی بس وسیع دارد. در ماشینی که عده ای از اهالی بستان را به مقصد اردوگاه "حر" می بردن حامله های در نتیجه تکانهای ماشین و تحت فشار جسمی و روانی در وضعی بسیار سخت وضع حمل نمود. پاسدارانی که داخل ماشین بودند به جای همکاری با او و تهیه امکانات برای این زن بیماران و نوزادانش بدترین آهانت ها را به زن نموده و با دیده تحقیر به کودک نوزاد می نگریستند. طبق اخبار روزگاری است که از بازداشت گاههای بازداشت شدگان بستان میبرد وضع غذایی و بهداشتی آنان بسیار اسفناک است و چیزی غذاشی آنان اغلب نان خشک و پنیر و خرما می باشد. وضعیت اردوگاههای آنان همانند سایر اردوگاهها می باشد. فقر، فلاکت، فحشا، بیماری، بیگاری، درگیری با مزدوران رژیم جزو مسائل عادی و روزمره می باشد. برنج و روغن های هوادار سازمان است که ماهیت جنگ را بیش از پیش برای توده ها

زحمتکشان بستان در اسارت دور رژیم عراق و ایران

بقیه از صفحه ۱
بستان یکی از شهرهای خوزستان است که اهالی آن عرب هستند و در جنوب غربی این استان واقع شده. این شهر از شهرهای مری بین ایران و عراق است. اهالی این شهر عمدتاً از زحمتکشان خلق عرب می باشد. این شهر در همان روزهای اول جنگ بدست نیروهای ارتش ضد خلقی عراق افتاد. در آن روزها که شهرهای مری - ایران مورد هجوم حملات هوایی ارتش عراق قرار گرفت و حملات توپخانه به خصوص بر روی این شهر لطفه ای قطع نمی شد. در نتیجه وقتی که شهرها را می مثل خرمشهر سقوط کردند اهالی آنجا که حدود ۲۰ روز زیر آتش توپخانه های عراق بودند دشمن را تخلیه و به نقاط امن تری رفتند اما در بستان چنین نشد. شهردو روزهای اول جنگ بدست نیروهای عراق افتاد و مردم زحمتکشان آن که منجر به بدبختی در آخرین لحظات ممکنه شهر را ترک کنند تا گمان غافلگیر شده و گنج و میهن سوت از وضعیت پیش آمده به اسارت نیروهای عراقی در آمدند. این شهر تا حمله اخیر ایران که منجر به تصرف شهر توسط ارتش ایران گردید در تصرف عراق بود. آنچه بعد از تصرف شهر توسط ایران مشخص شده است به روشنی اینست که در وضع فلاکت آرز مردم زحمتکشان بستان در هنگام اسارتشان به دست رژیم عراق می باشد. تمام روز بستان و دختران، بیگاریهای توان فرمای - مردان، عدم توجه به شرایط و جهت ماه سواری است که در مدت یکسال و چند ماه روزانه وجود داشته است. بعد از تصرف شهر زنی زحمتکشان از اهالی بستان که پیاده تا اهواز آمده و حدود ۴۰ سال سن داشته در حالی که غمی عمیق بر چهره اش تا به آنکند و با رنما چید بردوشش به وضوح

تأیید باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

دیوار

از: ناظم حکمت

ناظم حکمت (۱۹۶۳ - ۱۹۰۲) شاعر کمونست
ارمنک، نبرهای "دیوار" و "ناظم" به
آن دیوار را در سال ۱۹۲۹، آنگاه که
در زندان انسانول بخشی از محکومست
۴۶ ساله آن را میگرداند، بنویسد است.
در نخستین شعر، ناظم حکمت از دیواری
سخن میراند که در صومالیوم خواهش آن
برباد است این است. دیواری که مناسبت
دورترین مسجد، دیوار حیا حواری کی.
دومین شعر: ناظم ناظم حکمت
ناظم تمامی آنان که فلان ناظم
رخا شایگان و در حاکمان می باشد
ناظم انقلابیون گنویست است بنویسد
ایستاد لیرم، بنویسد دیوار را بر لایسی و بند
هر آنجکه میزما لکت مردی را بر بستنی
دارد، ناظمی رودر و و تیرمان

* دیوار *

در حیا رجوی از سنگ ستاده
برده ای آهسین جای جوش کرده
کدیا رده می کند آفتاب را
نکندادم
سایه ام را
خط برده که در بر بستنی ام
و گانند در خط برده
سایه بین استخوانی ام
سایه ام بر ترده
جز- ام بخون بستند
خون من است
این
همد حیرانی بنم آری این برده
زده خوش
در حیا رجوی از سنگ ستاده
برده ای آهسین جای جوش کرده
کدیا رده می کند آفتاب را
در آنجا
سای آن دیوار
سگ ناروان آن ناروان بار را
سرای ما کشیدند
آن دیوار را

آن دیوار
سری سرند چون طناب دار
کد حورده با اندام بون

بر آن دیوار
سری دندان های خسی خزه سست است
کد نکتد تکه می بود از آن
گوست تازه بر خون

آن دیوار
بر کد خلقوم کرده زمین حیر زده است
خمنون ربار سا ه کشیان انقزی حم خمار

آن دیوار
خسین سنگ سنانی
ارحسین سنگ سنانی مالکت خصوصی
کند استوار

سای آن دیوار
سند ها و نسل ها با خند مسود
به بلندای اقبل
از سید استخوان رفیقان بی شمار

آن دیوار
سنگ سرش
در جین زرد فلاحی جوسی ست
در شرق است
و در نیویورک است آن سردیگرش
نیویورکی که انبیا ست از نبرهای آهنی
برق است
نیویورکی که خوابانده در هر بانکی
سیام سیار

آن دیوار
آن دیوار
می گذرد

خط دیوار
چون خطای ای بردگرون در مجلس لردها
خطای که
حسی نقطه ها بیت هم
میرا میرا طوری دارد

ار بلندای اقبل
طنمدها بش را گریز میکند
بله داد در محمد مطای همدسیرک
بر ما تروائی بر حیا سنیای بر لین میکند

موسولسی سنا حامه
سنا انتظار نبوت
لند میکند بر سنگ های آن دیوار
انبالای حکم کل
در خون غرقه است

آن دیوار
آن دیوار
آن دیوار

سای آن دیوار
سرماران مسود
رفیقان بی شمار

هر و حیا ریای آن دیوار
حماسای دارد
به بلندای آن دیوار

سای آن دیوار
آنان می برد آلت مردانی کساتی را
کد آنجا

ترقد در خاک و خوسند
تا از آن برای انگلت های سونالسیسی
منلسوزهای نلسسیسی
اکسرجوایی سارند

ملسوزهای که
در جوست تن روسیان مدقونند
اجرکی

در برای آن دیوار
حکم اعدام محکومان را خواند
سرای انسان

کود دادن سنان
به سندان کسری از رادیو
می ماند

آن دیوار
سای آن دیوار
گرد می آید، گرد می آید

کتر دتر
سفر با کسرت
از کردها بی ۱۹۱۴
و بدانگونه که

تیرگی می گردید از آفتاب
شاعری که شویده و بی قرار
عشق میوزد به بر منگنا ت
کیمیا گری که می فروشد اشعه مرگبار
همه
همه

همه ایان
گرد می آید
گرد می آید

زیر لوای آن دیوار
دیوار

آن دیوار
آن دیوار

سای آن دیوار
تیرباران میشوند
رفیقان بی شمار
۱۹۲۵

بورژواها
به سوراخ

می شتابند
شتابان

سوی این کردها شای
قوم تویجی های انگلیسی
دیپلمات های که گوشت انسان فاش شده
عمل می آوری سنا

انترنا سونال دوم
فلسوفاتی که
زمین خرافه را میکا و بندو کود می دهند
تا

گلهای مسمومش را بجینند
فلسوفاتی که
آثارشان را

بر دسه جکها می نویسند
(شتابان
سوی این کردها شای)

* پاسخ به آن دیوار *

آن دیوار تان
آن دیوار

چه تا چیز می نماید
حقیر و خوار

شتابی است ما را نهفته در توان
بیگانه ما وعده های سکر آلودا لهی
بیگانه با امال حوریان
وتنها

بر آمده از حرکت بی توقف تاریخ و
بیسی

آنان که رودر روی ما ایستاده اند
رودر روی حرکت ما ده اند
رودر روی توده روان
رودر روی قوانین ازلی
ایستاده اند

توقفی در کار نیست، جا شای
هر آنچه هست
حرکت است

به فردا فرا می رود
کمونیت یعنی
کسی که گا میایش را

با حرکت تاریخ
می کند همنا

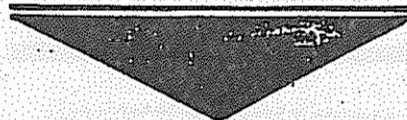
امروز را از سیخ وین می کند ویران
و بر آید از فردا را
کمونیت یعنی قهرمان

آن دیوار تان
آن دیوار

چه تا چیز می نماید
چه خوار



گزارش نمونه



وگفت "کجا میبرن ، این بدبختها زندگی - شون با همین دکه‌ها روپراه همیشه حالیه کاری بهشون میدن یا نه؟" کارگرها خشم گفت "کارگرا بود ، زن ادا مه داد" بلنه من شوهرم بیگاره ، سپرم دانه شوی سال چهارم توخونه است بیگاره ، آره است میگی کارگرا بود چرا اینکارا رو میکنن ازجون مردم چی میخوان "همه نا راحت بودند ، هرکسی چیزی می گفت بدون اینکه به پاسدارهای مسلح توجهی بکنند - حرفها یشان را با صدای بلند میزدند ، زن دیگری جلو آمد و پرسید "چی شده؟" خانمی که کنار من ایستاده بود گفت "دکه ایسن بدبخت و دارن میبرن ، میگن کوره" گفت "الهی بیمرم بدبخت بیگاره ، چرا اینجوری میکنن ، با این دکه نون زن و بچه ها شو میده ، الان پولدارها و سرمایه دارها خوشحال میشن که اینها دکه‌ها را وارد اشتن ، چون مردم با دیدن از اینها خریدکنن هرچه - بدبختی است مال آدمای فقیر بیچاره‌ها س مگه مردم بدبختی او مدن که کشته بشن گسه شهید بشن می میگن انقلاب برای اسلامه با شکم گرسنه چه کنیم همه ش با نون و پیسیر بخوریم بیسر کنیم چرا آخه ما میخوایم زندگی راحتی داشته باشیم ، بعد سرش را آورد جلوی گوشم و گفت "آخر عمر شونه در این موقع زنی که با چادر مشکلی رویش را حسابی پوکتانده بود آمد جلو و گفت "اینها رو واردن ، اینها به مفت خوری - عادت کردن ، برن توارتن استخدام بشن ، چطور پاسدار رشتی دارنند توجیهه کشته میشن "خانمی که بین ما ایستاده بود رو کرد به او و گفت "خوب که چی که اینها اینجاسا مردم میگوینن تا زه کی میخواد جنگ بشه اینا هنوز میگوین جنگ بشه ، اینها هنوز میگوین - جنگ با پیدا دمه داشته باشد ، جنگ و تمام کنن تا مردم بیقدر کنن بشن بیمرم برای ما درها شیکه بچه ها شون بیخودی دارن کشته میشن آخه اینا نمیدارن جنگ تصوم بشه ، با لامپن ایران که ما با بدبختان را اسلامی کنیم ، خوب با اینکارا خون او نوبت که نفس کش هم توی ایران نمی‌مونه ، تا زه اینهمه - دارن اخراج میکنن تا بد منظور تو اینسه که برن اسم نویسی کنن برای کشته شدن؟ چرا؟ چرا باید بیخودی کشته بشن همین جوری الکی برای کی کشته بشن یکی از - خانصها ش که از قبیل آنجا ایستاده بود به دست من زد و گفت "جاوس خود شونه" بعد خطاب به او و گفت "آخه ما به خاطر کوری اش - قاریم میگویم" دکه را با چاقو شکستند و بردند تا بلون و قسمتهای داخل دکه را کنار پیاده رو ریختند بعد آمدند سراغ دکه دیگری که جلوی ما از میوه ، میوه با بدوب ، ما حسب دکه مردم ۴۰ ساله علیلی بود که چهره سوخته - اش نشان از سالها رنج و زحمت میداد - اضطراب و دلهره جلوی دکه اش ایستاده بود و کنارش رفت ، دختر جوانی که اش ایستاده بود خرید کند گفت "الان میان و ما بابت زانجام کنن خوب خودت بضع کن اینکته بهتره تا اونجا بیان بریزن بیرون ، با لایحه خدا بزرگسه" ما حسب دکه که گاه شک توی چشما نش حلقه زده بود گفت "ره میدونم خدا خیلی بزرگه ، خدای اینها خیلی بزرگه" صدای لوزانش از کینه همیشگی سرچشمه می گرفت ، رفتم جلو خطاب به

این دختر گفتم "نه چرا با پیدا اینکارا میکنند ما پیدا زحمتش دفاع کند ، داره با این دکه زندگی را تا من میگذرد ، با این گرانسی و بیگاری چکار میکنند ما بجای این با بیگاری از شما بیت کنیم ما پیدا اعتراض کنیم که چرا اینکارا می‌کنن" او با تا شیبند حرفهای من پیش ما مورشهرداری رفت و گفت "قا خوب چرا دکه‌ها را اورمیدارین - اینها چکار کنن" ما مورشهرداری گفت : "خانصها ما تقصیری نداریم دستور - شهرداریه" به ما مورشهرداری گفت "نه هر کارمگه اینها گفتند با پیدا ما داد" بعد رفتیم پیش ما حسب دکه و گفتم نیا بددکه - ما بتان راجع کنید ، شما ها زندگیتون بوسیله این کارتا من میخواید اینها خون مردم را توشیشه کرده اند از بی که ما هیچی نگفتم اینها روشن زیا دهنده و هرکساری میخوان می‌کنن ، همین جا با بست و حرقت را بزین "با چشمان اشک آلوده بش من نگاه کرد و گفت "ره من همین جا می‌مونم" دهمه قبل هم بهشون گفتم که من علیسم در همین موقع ز - ۳ بدستان ریختند - نزدیک دکه و مرتب داد میزدند که بروید ، اینجا کسی شما ندیده بروید ، ما هیچکس به حرفها یشان توجهی نمی‌کردیم و همسایه ایستاده بودند و منتظر بودند ، به عده ای که کنار ما ایستاده بودند گفتم "اینها بسا این کارها یشان گور خود شون را می‌کنند ، شاه هم خانها ی مردم را رو سرخون خراب کرد عاقبت مردم سرنگونش کردند ، عاقبت اینها هم همینطور خوا هشدن" قای کارمندی که ایستاده بود گفت "خانص ترا خدا ایسن حرفها را بزین دادنن میان میگویی اینست و میبرن" گفتم "نه آقا چرا اینا بد حرف زد - همینکه ما حرف نزدیم و ما کت شدیم اینها دارند اینجوری زندگی مردم را ازینهم می‌شناسند اینهمه خون می‌کشند ، با بد حرف زد مگه شما توانست با آن همه کشتار رجلسوی انقلاب را بگیرد" ما مورشهرداری آمدند جلو دکه تا دکه را بردارند ، ما حسب دکه گفتند "قا من علیسم ، زانگیم را از اینجا تا من می‌کنم سری پیش همه ما حسب دکه که دکه من راجع نکنید" پاسدارها و ما مورشهرداری شهرداری که خشم انباشته مردم تا شاکسیر را که شدیدا "در حال اعتراضی بودند - می‌دیدند رو کردند ما حسب دکه و گفتند : "خیلی خوب فردا برو شهرداری اگر جواز نگیری فردا می‌آشیم دکه‌ها را بر میداریم این حرفها لایمون نمیشه" یکی از پاسدارها گفت "بریم توی خرابی بون چند دکه بدون جواز هست برداریم یکی از کمیته‌چی ها با صدای بلندی داد زد : "مساکر کسی که ضد روحا نسبت با شه می‌کشیم" آنها - شی که ایستاده بودند می‌گفتند "به روز هم میرسه که شما ها با نوبدید"

رفقای هوادار !
گزارش نویسی از برخورد های توده‌ای و غیره ، مری نیست که تنها مختص عنا صر تشکیلاتی باشد بلکه وظیفه همگانی تمام هواداران - و حتی دیگر نیروهای انقلابی و مترقی - می‌باشد که به تهیه خبر و گزارش بمنوان یک وظیفه انقلابی برخوردی - مسئولانه بشند و بندها زرکها نالی کشه می‌شناسید گزارشات خود را با کد "اف" به سازمان انتقال دهند ، هواداران در این جهت کوتا می‌کنند و علیرغم برخورد های که با توده‌ها دارن و اخباری که از اینجا و آنجا میشنوند در انتقال آنها به جنبش تلافی درخور نمی‌نمایند ، تا کید می‌کنیم که امر گزاردهی در کنار تبلیغ و بختنش یکی از وظایف مهم تمام رفقا است ، با شد که با گوش و تلاش شما بر دپا لکتیک تکامل انقلاب پیش ز پیش مسلط گردیم و بر آن اساس تا کتیکهای پرولتر را برانگیزد که ملت را

گزارش زیر تحلی کلی از برخورد مسئولانه یک فدائی در انتقال ذهنیت توده‌ها به ارگان می‌باشد و نکات برجسته‌ای است ، تصویر استادانه جمع موجود شکل بروز اعتراضات توده‌ای ، بیان حالات و تجسم ظاهر تک افراد ، توجه دقیق به شن صدا و افراد مورد خطاب ، ذکر مشخص با یگانه طبقه‌ای نکات سی هستند که هر گزارشگری را تدم ما "در برسر دارند ، تنها رفیق گزارشگر در توجه دادن زدن به خشم و نفرت توده‌ها و برانگیختن آنها به حمایت فعال از دکه‌ها را ن کا طلا" موفق نبوده است اگر چه در بحث و اعتراضات فعلا لانه شرکت دارد که خود قابل توجه می‌باشد همچنین اگر جمع بندی در انتهای گزارش ارائه میداد این نظر را در مورد ذهنیت توده‌ها می‌نوشت گزارش از ظرفیت کالمتری برخورداری می‌گشت ، ضمن تقدیر از این رفیق و تمامی رفتاری دیگر که در پیاده کردن رهنمودهای کار به رهنمون عمل بر استیسی تلاش نموده اند از رفقا میخوایم که به شیوه گزارش نویسی ، میگیری و برخورد فعال به مسئله در گزارش توجه‌ای دقیق مبذول - دارند .

۶۰/۹/۲۳

ساعت ۱۰/۵ صبح بود جمعیتی حدود ۱۰۰ نفر تقاطع خیابان میرآباد و میدان انقلاب ایستاده بودند چهره‌ها برافروخته و خشمگین بود ، با ران بشدت می‌پارید اما هیچکس در جستجوی پناهی برای خلاص شدن از یاران نبود صورتها گل آلود ، خسته بود و آتش خشم درون مانع از احسان بر ما میشد ، رفتم جلو بیستم چه خبره؟ ز - ۳ بدستان و ما مورشهرداری آمده بودند تا دکه‌ها را راجع کنند ، مردم - خیلی نا راحت بودند درست مثل بشکجه باروتی که منتظر جرقه‌ای است تا منفجر شود با صدای بلند اعتراض میکردند جوان ۲۵ ساله‌ای که مفازه بسیار کوچک آبمیوه گیری داشت گفت : "بیشرفها هرچی می‌سردم گفتن این بدبخت کوره ، دکه‌هاش راجع مع نکنید گوش نکردن ، میگن اگر این باشه بقیه هم می‌بندیم گذارند ، با بی مردم خودتان خواستند که این باشد" مردم ۵۰ ساله‌ای که چپین های صورت و موهای سفیدش نشان از سالها رنج و کار میداد با صدای بلند و خنده تصخر آمیزی گفت "آخردر - حکومت جمهوری اسلامی سد مسبر جرم است" و رفت ، جوان ۱۷ یا ۱۸ ساله‌ای از مفازه بیرون آمد و گفت : "ببینید مسلمانها چه کار میکنند آخه این عدل ، اسلامیه و روگرد با نظر آفتاب نشی و گفت "شما ها رفتیداری - دادید به جمهوری اسلامی متکبری ای ندادم" از کارگری که دستهای بیبینه شته اش از سرما سرخ شده بود و با چهره برافروخته و خشمگین به جمع شدن دکه نگاه میکرد سوال کردم کسی اعتراضی نکرد؟ گفت : "چرا ، به جوته او مدوگفت این کوره ، بدبخته ، زندگیشو از هم نیا شیدیدارین باشه اینکته دکه‌اش - شوپیا ده رونیمت روی بله ، پاسدارها و کمیته‌چی ها زدن بردنش ، به آقا دیگه هم رفت جلو و اعتراض کرد و نومه بردن - بیچاره خودش رفته بود توده‌هاش او مدن - بزور انداختنش بیرون ، این مردم بر شون مهم نیست" گفتم "کار مهم نیست که اینها بیرونند کارکنن" گفت "ای خام کارگراسا بودند کارکنان خیلی وقته بیگاره اینا ایسن کارها رو میکنن دزدی زیاد میشه ، مردم چه کنن" گفتم "خوب تا هم همین کارها را کرد خود مردم سرنگونش کردند ما قبت ایسن رژیم همان جور خوا هشد" گفت "بله پس چی مردم تا کی میتونن تحمل کنن" در همین موقع زن مسنی که چهره رنج دیده اش را زجرها درمشکی پنهان کرده بود آمد جلو

به میلیا رد دلار

سال	۵۵	۵۶	۵۸	۵۹
سهم واردات کالا	۱۶	۱۸	۱۱	۱۵
سهم خدمات	۴	۶	۶	۵
کل پرداختهای ارزی	۲۰	۲۴	۱۷	۲۰

چنانکه پیداست طی سالهای مذکور سهم خدمات در کل پرداختها همگام کمتر از ۴ میلیا رد دلار نبوده است که ما همین مقدار را برای سال ۶۰ در نظر میگیریم. از دیگر سو طبق آمار منتشره در اطلاعات ۱۶ دی، ایران طی ۶ ماهه اول سال ۶۰ بیش از ۷۰۰ میلیا رد تومان یا ۸/۸ میلیا دلار کالاهای وارد شده است (در مقابل ۵۰۰ میلیا رد تومان در ۶ ماهه اول سال ۵۹). هرگاه بپذیریم در نیمه دوم سال ۶۰ تنها به اندازه دوم نیمه اول یعنی فقط ۵/۸ میلیا رد دلار کالاهای وارد شود، کل پرداختهای ارزی طی سال ۶۰ بالغ بر ۱۸/۶ = ۱۸/۵ + ۰/۸ میلیا دلار خواهد شد. علاوه بر رقم فوق رژیم طی سال جاری سهم قابل توجهی از منابع ارزی خود را صرف خریدهای تسلیحاتی نموده است. نوربخش رئیس کل بانک مرکزی طی محاسباتی مابخرگزاری فرانسه هزینههای جنگ با عراق را بین ۲۵ تا ۳۵ میلیارد بوده ۳۳ میلیا رد تومان کنونی کشور اعلام میدارد. (اطلاعات ۱۰ آبان ۶۰) و سخنگوی سپاه گیلان نیز هزینه روزانه جنگ را سیصد میلیون تومان (سالی ۱۱۰ میلیا رد تومان برآورد میکند. لذا میتوان نتیجه گرفت که رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی طی سال جاری حداقل همین حدود را صرف جنگ ارتحالی با عراق کرده است که از این میان بخش عظیمی را بخریدهای خارجی تخصیص داده است. تا بهز مالی خریدهای تسلیحاتی خارجی ایران را ما هفتاد و سه میلیون دلار یا معادل ۳/۶۰ میلیا رد دلار در سال (۲۹ میلیا رد تومان) برآورد کرده است (کیهان ۳۱ شهریور). بدین ترتیب مشخص میشود که رژیم مجموعاً به مبلغی برابر ۲۲/۲ میلیا رد دلار از خارجی تیار داشته است (۲۲/۲ = ۲/۶ + ۱۸/۶). چنانکه در پیش دیدیم طی سال جاری تنها قادر به بیش تا ۱۶/۵ میلیا رد دلار میباشند و بدین ترتیب با کمبودی حدود ۶ میلیا رد دلار مواجه است. و اکنون بجاست که رئیس دولت به این سؤال پاسخ گوید که اگر این کمبود را بطریق فروش تسلیحاتی طلا و امرا ز کشورهای خارجی و یا فروش جواهرات بانک مرکزی تا مین شده از کد میسبب بدین آمده است؟

جدول مستخرج از تراژیا مه سال ۵۶ بانک مرکزی و اطلاعات ۶/۶/۷۰

کذب محض!؟

رژیم با همه تلاشهای مذبحخانه خود جهت برده پوئی میزان صادرات نفت از چشم توده ها، بالاخره بعلمت ناخبرگی بگی؟ زما یندگانش در مجلس، به طور غیرمستقیم ارزش حاصله از صادرات نفت را مشخص کرد. مطابق مخابرات میگوید میزان کسری بودجه مجدد دولت میگرد گفت: "در مورد تا مین این ۳۱۰ میلیا رد ریال بیشنها ذات زبانی شد و از آن پیشنها ذات این مسئله پذیرفته شد که اسناد حمل نفت صادراتی برای دو ماهه بهمن و اسفند به بانک مرکزی فروخته شود و پول قسمتی از هزینه های ما را تا مین کند و باقی آنرا که مبلغ ۱۸۰ میلیا رد ریال میشود به دولت اجازه داده شود که بتواند از بانک مرکزی وام بگیرد (کیهان ۲۱ دی). بنا بر این مشخص میشود که حاصل تفریق این مبلغ یعنی رقمی برابر با ۱۴۰ میلیا رد ریال کسری بودجه قرار است از طریق پیش فروش اسناد مربوط به فروش نفت ماههای بهمن و اسفند تا مین گردد و بدین ترتیب دولت طی سال جاری ما هانه حدود ۶/۵ میلیا رد تومان (۸۱۰ میلیون دلار) از طریق فروش نفت کسب می نماید. چرا که نماینده مذکور اذعان دارد که "عرضه نفت ایران به بازار خیلی بیشتر از مقداری است که در اواسط سال نشان میدهد (همانجا) پس نتیجه میشود که کسب درآمد رژیم از طریق فروش نفت طی سال ۶۰ رقمی برابر با ۷۸ میلیا رد تومان (۹/۷ میلیا رد دلار) بوده است. از دیگر سو طبق اظهارات نوبوری رئیس بانک مرکزی وقت با دخا شرازی در اسفند ۵۹ برابر با ۲ میلیا رد دلار بوده است که با آزاد شدن ۲ میلیا رد دلار دیگر توسط امریکا مجموع دخا شرازی از اسفند گذشته تاکنون سه رقم ۶ میلیا رد دلار بالغ میشود. که هرگاه مبلغ ۲۳۰ میلیون دلار از صادرات غیر نفتی ایران را نیز به اضافه کنیم (۲۳۰ میلیون دلار بوده است) کل درآمد حاصله از صادرات به همراه دخا شرازی بالغ بر ۱۶/۵ میلیا رد دلار (۱۳۲ میلیا رد تومان) خواهد شد.

هزینه های ارزی رژیم - جدول زیر نشانگر میزان سهم کالا، خدمات و نهایتاً کل پرداختهای ارزی کشور طی سالهای ۵۵ الی ۵۹ میباشد.

"این خبر کذب محض است... نیازی به گرفتن وام از ژاپن و از جای دیگر نداریم و فروش نفت تنها قوی چرخش همیه برنامه های اقتصادی ما را می نماید" (کیهان ۲۷ دی) این سخنان را موسوی رئیس دولت طی یک محاسبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی در حالی بیان میگرد که ایران بیش از هر زمان دیگر محتاج کمک مالی دیگر کشورهاست و بنیاد زشید به کسب هر چه بیشتر از خارجی دارد. در این رابطه، آبن اولسن و آخریسن تکذیب نیست. مثلاً چندی پیش نیز در "اطلاعات ۱۰ آبان" ما خواندیم که: رئیس کل بانک مرکزی ایران برخسی از شایعات را صحتی بر اینست که کشورش اخیراً ۴۰۰ میلیون دلار طلا فروخته است تکذیب کرد. "از هنگام دیدار پریمینای رئیس جمهوری رجا شی از جواهرات سلطنتی بانک مرکزی تاکنون اینگونه شایعات در ایران و جهان بسیار رایج بوده است و رژیم هر بار زکوشیده است بنا تکذیب این شایعات و ارتباطی خود را از چشم مردم پنهان دارد. اما اینبار موسوی با این تکذیب واقعا وقت است را به کمال رسانیده است و از این سو جا دارد مطلب را کمی بشکافیم. موسوی مدعی است ایران تنها از طریق از کماله از فروش نفت قادر است چرخ اقتصادی کشور را به حرکت درآورد و نیازی به گرفتن وام از دیگران، فروش شمش طلا و جواهرات سلطنتی و غیره نداشته و بنا بر ادو اینگونه اخبار کذب محض می باشد. لیک او نه از میزان صادرات نفت، نه از ظرفیت فروش هر یک و نه از میزان نیاز ارزی کشور و دخا شسر آن سخن به میان می آورد. و اگر از او پرسیده شود مگر تولید نفت به چه میزان و قیمت فروش نفت چقدر تعیین شده که دولت را قادر به بر طرف کردن همه نیازهای اقتصادیش میکند، بنا سکوت ایشان مواخه خواهیم شد. چرا که رژیم مردم را محرم را ز نمی داند. البته به این بیانته که شرايط ویژه جنگی حاکم است و ممکن است دشمن با خسر شود. در حالیکه هم میزان صادرات و هم قیمت آن اگر به برای کلیه کشورهای امپریالیستی که لا اقل طبق مقررات، بر سازمانی همچون او یک که اطلاعات آن تحت نظارت امپریالیستهاست، کاملاً مشخص است. به جهت برای اثبات اینکه در واقع گفتار موسوی "کذب محض" است و نه شایعات فوق الذکر، بدون تکیه بر کرم و کیف آن با استناد به برخی آمار دستویا کمتسه که گاه نخواست و بنیاد نهسته از جانب برخی از اولیای امور به بیرون در ز کرده است، ابتدا از حاصله از نفت و سپس حدود خرج های رژیم را مشخص میکنیم و آنگاه خود بخود کذب بودن سخنان رئیس دولت آشکار میشود. دخا شرازی و درآمد های خارجی رژیم

اخبار شهرستانها

بقیه از صفحه ۱۹
ایاب و ذهاب در این منطقه است. تعداد ۲۵ نفر از این زحمتکشان در این منطقه ساکن میباشند. و هر روز به خاطر کار رمنبلغسی در حدود ۳۰۰ ریال - کرایه رفت و برگشت پرداخت می کنند. پرداخت این مبلغ از حقوق ناچیز این زحمتکشان فشار مضاعفی بر دوش آنان است به این علت آنسان با تقاضای پیش مدیر بندر "پهلوان نشان رفته و تقاضای سرویس ایاب و ذهاب -

می نمایند. مدیر مذکور به جای اینکه با سخ منستی به این خواسته، بر حق آنان بدهد در زیر درخواست آنان به کارگرینی آن بندر چنین دستور میدهد، تحقیق شما شید محل دقیق خدمت تا مینردگان را چنانچه وجودشان زیاد ضروری نیست از کار آنان جلوگیری شود. کارگران شمشکین و نا ایدها تا ق مدیر بیرون رفته و از خواسته خود چشم پوشیدند.

بیرون کردن جنگ زدگان از منازل - شرکت نفت - حدود یک ماه است که رژیم ساکنین جنگ زده و آواره مستقر در خانه های

یک اطاقه ما شهر نورا تحت فشار رتی گذارد و هر روز تعدادی از این خانواده ها توسط ارگانها سرکوبگرش بیرون میکند. زنی که نه فرزند دارد می گفت: نه شرف دارن و نه دین و ایمان، همه را بیرون می کنند. چند روز پیش سراغ خونه من اومدن، گفتن منم جان ما جانی نداریم، به خرجشون نرفت، هی مثل طوطی میگفتند دستور دادگاه به ما مربوط نیست. همین چند روز پیش هم اسباب یکی از خانواده ها را یک شب که خانه نبودند بیرون ریختند و سپس اسبابشان را به انبار شرکت نفت منتقل کردند و دیگر همه خانه را همان ندادند.



اخبار شهرستانها

در مکان های مناسب بر روی درود یوارها می نوشتیم. صبح زود که مردم زحمتکش از کوه عبور میکردند، منتصب بودند که چگونه در این مناطق بخش کار صورت میگیرد آن هم در یک چنین شرایط اختناق آمیز. سربزنی نثریه ای را از زمین برداشته و پس از نگاه کردن به عکس رفتی شهید، میگوید "چو آن هاشی! لاند همه شان را در زندان کشته اند، آخر چرا این کارها را می کنید؟ منظور بخش نثریه (تا و حیثاً نه شما) اینکند".

طیورقم - با قلبی آکنده از مهر و محبت گفتیم: "ما در آنجا فدائی خلقند، آنرا رازیر شکنجه و سرنیزه می کنند، ما در قند، شمسان راستین خلق به این علت از مبارزه دست برنمیدارند که مبارزه برای نجات خلقیبا را وظیفه، همیشگی خود می دانند. فدائیان خلق میگویند چرا با دیدن شما ل شهر، سرمایه داران با آخرین سیستم اتومبیل ها و در آپارتمانهای چندین طبقه زندگی کنند و در همین منطقه، زحمتکشان در خانه های گلی و رطوبتی و خاکی زندگی کنند؟! صادر فدائیان خلق میگویند "ما برای مردم - آزادی و برابری می خواهیم، آنها را میگویند آنها با بیادیا زبونند، آنها میخواهند که گردنشان قهرمان وزن و بچه های مردم مبارزان نشوند. آنها را میگویند... که در این هنگام پاسداری سرسیدومن حرفم را قطع کردیم.

پیروز در حالی که آتش از چشمانش فرو میریخت و مرتب به عکس رفیق شهید محمود با شانی نگاه میکرد، گفت: ادا هم - بده آنها دیگر چه میگویند؟ پاسدار رجلی آمد و با عصا نیت تلاش نمود تا نثریه را از دست آن زن بگیرد، پیروز مقاومت نمود. پاسدار گفت: "ما در آنها کمونیت هستند، آنها میگویند خدا نیست".

پیروز با خشمی درد آلود جواب داد: "آنها خدا ندارند و شما که خدا دارید، چرا آنها را وحشیانه می کشید؟ چرا آنها را شکنجه می کنید؟

پاسدار در حالی که رنگ اش پریده بود گفت "تو ایمانت را از دست دادی، تو دیگر مسلمان نیستی تو دیگر کافر شدی، تو در دنیا تنها هستی و تنها می مانی و دیگر هیچکس را ندارد".

پیروز قامت خود را راست کرد و گفت "اگر من هیچکس را نداشته باشم، در عوض - جوان هائی دارم که هر روز از این روزنامه - ها برایم میرسانند و من عکس این جوانها را (روزنامه را نشان میدهد) که بدست شما کشته میشوند، نگاه میکنم و امیدوارم بشوم".

پاسدار دیگر برای مقاومت نداشت راه خود را گرفت و رفت. پیروز نیز در حالی که قطرات آتش در چشمانش حلقه زده بود، با قدم های استوار سوی خانه گلی عبود حرکت نمود. من نیز با ایمانی بیش از پیش شعار: زنده باد زحمتکشان، مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی، را بر روی دیوار توتم و منظره ترک نمودم.

تهران - ۶۰/۹/۹: با اختتامی در - خیابان امیرآباد که "تلا" توسط عده ای از مردم زحمتکش معارضه شده بود، توسط ما موزین دولتی تخلیه شد. برای انحصار این تخلیه خیابان امیرآباد، تقاضای بلوا را فاطمی را ما موزین شهرتانی از قبل از ظهر بسته بودند که بسته بودن -

رفقا - بدلیل برخورد فعال و بیکیفر شما در مرکز ارتش دهی که تا بسته هرفدائی می باشد، اخیراً اخبار بسیار زیادی بسته دست ما میرسد. اما بدلیل محدودیت - صفحات کار، ما ناچاریم مهمترین و ضروری ترین خبر را درج نمایم و با از جسمندی چند خبریک غیرا متعین کنیم اما اخباری که مستقیماً در کار ریجاب نمی رسد در تحلیلها و بررسی اهمیت توده ها و... مورد استفاده قرار میگیرد. لذا رفقای که گزارششان مستقیماً به چاپ نمی رسد نباید چنین تصور کنند که خبر - ارسالی آنها قابل استفاده نبوده است و بایدست ما نرسیده است. ضمناً - برای تسریع در ارسال گزارشات تاریخ - گزارش و تحویل آن ذکر شود تا مشخص شود که تا زمانی در سیستم خبری ما در چه قسمتی صورت گرفته و با نتیجه اخبار تازه تری در کار درج شود.

"بخش خبر"

ایبهر - ۶۰/۹/۱۹: تضادهای درونی هیئت خاکمه به شکل گوناگون خود را می نمایاند. وعنا سروریم در جریان رشد یافته، این تضادها، ما هیت خود را برای توده ها روی می نمایاند. در ایبهر به مناسبت سالروز شهادت اکبر قزوینی مجلس ختمی از سوی خانواده اش برگزار شد. پدر این شخص که وابسته به حزب است در این مراسم گفت: مردم بدانید تا این شهادت مال ما نیست بلکه مال شمامت... شما اگر در این اجتماع بی تفاوت باشید من میگویم قابل به جام همین شاه شهید چرا می گذارید بختتان را بخورند... چرا در کارها - ها قایل بازی و پارتی بازی شده... مردم بدانید چون اینها خصومت شخصی دارند می خواهند شخص را با این حرفها (مارک - مجاهد... بودن) بکشند و شخصی دیگر نتواند حرف بزند و یا حاکم شرع می آید به زندان دستور می دهد زندانی ها را بزنند، آنقدر آنها را می زند تا اینها بی حال شوند... شما از کجا می دانید اینها - ما هدهندند؟ چرا بچه های مردم را میزنید؟ یا با مگر ما عمری هستیم با عثمانی، ما هم خوب خدائی هستیم، ما حاکم شرع در دادگاه زندان را محاکمه میکنند میخواستیم من هم از زندان سبیم مجازات اینس افراد چیست - را راه انداخته قای حاکم شرع مگر ما بلوخور، خوره هستیم... آقا بایان هرکس چند تاریخ گذشته میگوید من حزب اللهی هستم یک نفر میخواستیم حرف درستی بزنم میگویند تو ضد دولتی - فقط ما حزب اللهی، ما حرف مان درست است... مدینه شهریا نی اشاره کرد و گفت شهریا نی را به دودسته تقسیم کرده اند، یک دسته انجمن اسلامی و دسته دیگر مخالف انجمن. همین انجمن اسلامی آقای رئیس شهریا نی را خیلی ناراحت کرده اند - طوری که ایشان می خواهند از این شهر بروند. پس از سخنرانی قزوینی یکی از ملاهای - ایبهر با لای منبر رفت که همه مردم بلند شده و رفتند، این ملا از حزب اللهی ها دفاع - می نمود.

ارومیه - برای بخش نثریه کار، ارگان سازمان را با افتخار از خانه خارج - شد. طبق معمول برای اینکه خانواده ام مزاحم فعالیت من نشوند، ما توسط - مناسبتی نثریات را بینان نمودم و به محل مورد نظر برای بخش رفتم. برخی از این نثریات را به داخل خانه ها انداختم و - برخی دیگر را در مقابل دروازه در قرار میدادم. حین بخش شاعرانی را تسبیح

خیابان تا ساعت چهار رو به بعد از ظهر هنوز ادا مداشت و ما میل زندگی خانواده - هائی را که در طبقات اول بودند بسته خیابان ریخته بودند که به گفته ناظری بیشتر و ما میل این عده شکسته بود و لوسی خانواده هائی که در طبقات بالاتر بودند خودشان و ما شل را بیرون آورده بودند.

امروز صبح هنوز ما میل این افراد در مقابل ساختمان در خیابان قرار داشت. این مسئله با توجه به اینکه فصل سرماست و در حال حاضر خانه، آچاره ای هم پیدا نمی شود و اگر هم میشود بسیار گرمان است، شتر مردم را برانگیخت.

محدسلیمسنان - مدتی بود در شوشتر دزدیهای مشابه، مگر و منگونی صورت - میگرفت. به همین علت سیا با سداران و اداره آگای شوشتر به منظور کشف شبکه این سارقین دست به عمل شدند. بعد از - مدتی شبکه، سارقین کشف و اعضای آن - دستگیر شدند. رهبر این شبکه؟ برخی از اعضای آن عضو ستاد بسیج بوده اند.

بندر انزلی - ۶۰/۱۰/۸: رژیم در منطقه تالش حدود ۳ ماه پیش شروع به دستگیری و زندان کشیدن فئودالهای منطقه نمود. بعد از یکماه "احسان بخش نماینده امام در استان گیلان و امام جمعه" رشیدت به هشتیر آمده و از زندانهای فئودال عذرخواهی نمود و گفت که هیچگونه مدرکی بر علیه شما نداریم. در صورتیکه یکی از پاسداران از مخفیگاه میمان نظامی این فئودالها آگاه بود و در باره جوشی از فئودال - های مذکور هم این مسئله را افشا نمود و در ضمن تمام مردم هشتیر هم را این موضوع با خبرند. احسان بخش به فئودالها گفته بود که چون چریکها در منطقه، و در جنگ دست به عملیات نظامی میزنند و شما هم به این منطقه خوب آشنا هستی دارید میخواستیم که ما همکاری کنید. فئودالها نیز این پیشنهاد را پذیرفته و چنین میگویند. آن اسلحه هائی را که سیا از ما بدست آورده ما برای مبارزه با فدائیان و منافقین نگاه داشته بودیم.

زنجان - در تاریخ ۶۰/۸/۲۰، بسیج تسفیر از نجا هدیر که اهل خرمدره بوده ۳ نفر - آنها دختر و دو پسر که یک نفر آنها ۱۶ ساله و دو نفر دیگر زیر بیست سال بودند به خود اعدام سیرده شدند. ۳ نفر دختر که از خانواده - های زحمتکشی بودند در محاکمه حکم اعدام نگرفته بودند ولی در یک نیمه ساعت ۳ آنها را برای اعدام به محرابی بردند و فدای آن روز به خانواده هایشان اطلاع میدهند که بسیار بدحنا زه های فرزندان شان را بگرفت و تهدید به هتک مجلسی سربا میکنند. در مورد یکی از سرباها کندی به خانه آنها انداختند که او فقط محکوم به ۳ ماه زندان بوده ولی چون حاکم شرع سراسر بود، حاکم شرعی گفته تازه آمد به حکم قتل را مردود خوانند و خودش حکم اعدام را صادر نموده است.

بندر خمیشر - در جریان جنگ ایران و عراق از کار افتادن بندر خمیشری که از چشمتکشان دا من بیش از دو آزارده هزار تن از زحمتکشان خرمشهر را گرفت که از این تعداد حدود سه هزار کارگر و کارمند بندر خمیشر نیز از کار بیگانه شدند و پس از تشکیل ستاد اداره - بنا در تبریزان و بندر خمیشر و کتسرت کار در دیگر بناها، عده ای از کارکنان - جذب بندر عباس، بندر خمیشر، بندر - انزلی و نوشهر و بویر احمد، از بندر - حدود ۵۰۰ نفر بطور موقت در بندر خمیشر مشغول بکار می شوند. اکثر این کارکنان به خاطر خستگی معیشت و گذران زندگی خود و خانواده، شهرهای اطراف آن بندر خمیشر کار، هر روز زمین این شهرها در رفت و آمد که اداره برای معدودی از آنان سروس - بقعه در بند ۱۸



گرامی یاد خاطره فدائی شهید رفیق حسین قدربسی

رفیق در سال ۱۳۴۰ در خانواده ای -
زحمتکش متولد شد. بدسال آغاز حرکات
توده ای قبل از قیام، با مسائل سیاسی
آشنا شد. او در سازمان مطهرات و راهبانی
- ها شرکت داشت. رفیق حسین تا مدت سی
بس از قیام دارای اعتقادات مذهبی
بود و تنها از لحاظ احساسی علاقه ای خاص
به سازمان داشت. پس از مدتی با رکنیم
- لنینیسم را بعنوان شیار انجمنات
انسانها ابراهیم و استنما بر گرد آورد -
آن زمان بعنوان یک هوادار مدتی سازمان
وظائف محوله را به نحوا حسن انجام میداد.
در بخش دانش آموزی سازمان کار میکرد
و به همراه رفیق فرهودروائی شعارهای
سازمان را بر دیوارها منویع کرده بود -
آنها را با نیت، در مجله ای که در رفیق
زندگی میکرد همه مردم و راهبانی سمبل
مبارزه بر علیه رژیم شاه را نام میکردند -
سازمان رفیق در مرداد ماه ۵۳ به دنبال
بیورش یا ساداران سرمایه داران -
با زدا شد و در ۲۳ آذر ماه ۵۳ از شکنجه
- های بسیار (تخاج رفیق در شکنجه
باز مانده و بدش فلج شده بود) به همراه
رفقا فرهود و حمید به جودا عدم سپرده شد.
رفیق در زندان و در کلاسهای ایدئولوژیک
سیاه همواره می گفت بی جهت رژیم تسلان
میکند، ما اگر از اینها بروم تا رژیم
کمونیست خواهیم بود. رفیق دانش
آموز هرستان در رشته راه و ساختمان بود.
در مراسم که بخاطر یاد بود رفیق برگزار
شد ما در رفیق در حالیکه شگ بر بیخت -
میگفت: همین تپودی که شاه را بیرون
کردی و خمینی را آوردی و حال همین
حسینی جلاد تونده است -
کارگران و همزحمتکشان ایران -
هیچگاه با دشمنی را که بخاطر رهائی
آنان مبارزه کرده اند و جان خوش را نیز
نثار آلمان و الاستان نموده اند راهبند
نخواهند سرد.

یادش گرامی و خاطره اش جاودان باد

گرامی یاد خاطره فدائی شهید رفیق خاطره جلائی

موجب شکستی فکش گردید و مدت ها بستری
و مجروح بود و در همان زمان از طرف
سازمان با رفیق مصاحبه ای انجام شد
که در نشریه کارچاپ رسید. و در آن روزها
نیز اراده رفیق و ایمانش ستودنی بود.
او بعد از بهبودی استوار تر با یخش و فروش
ارگان و دیگر نشریات سازمان همچنان
ببگیرانه انجام وظیفه انقلابش را
دنبال نمود.

از خصوصیات بازر رفیق شهاخت و از
خودگذشتگی و خونسردی انقلابش بود.
او همواره بر این اعتقاد بود که این رژیم
با پیدا قهر انقلابی توده ها سرنگون شود
بدین جهت همواره بر تبلیغ توده ها و
سازماندهی مبارزاتشان و طرح ریزی -
برنامه های انقلابی برای سرنگونی جمهوری
اسلامی و برپایی حاکمیت واقعی خلق -
رهبری بزرگان را با قهرمان تا کید -
میورزید. و گزارشهای ارزشمند رفیق از
روحیات و مبارزات توده ها همواره ما را در
استکبارت و روحیات و مبارزات توده ها یاری
کرده است.

رفیق بکبار نیز در مهر ماه دستگیر شد و
بعد از مدتی آزاد گردید و آخرین سال
در ۱۶ مهر ماه در خانه اش به اسارت -
مزدوران رژیم درآمد. از همان لحظه -
آخرین دستگیری، مزدوران رفیق را به
زیر شکنجه برده تا شاید اطلاعاتی از رفیق
کسب کنند ولی رفیق با معاضمت قهرمانانه
و فدائی وارش منت محکمی بیرونه جلاان
گرفت و وفاداری خود را به آرمان سرخشی
انبات نمود.

او در زیر شکنجه های جلاان اسلامی جز
به راهائی کارگران و زحمتکشان نیا ندیدند
و در راهائی فردا، تمامی شکنجه ها و
با لآخره شهادت را به جان خریدارند.
اما آنچه با کلاه و چون آفتاب در
میدان صبح فردا خواهد رفت، و خاطره ها
همواره در تداوم راه سرخشان زندگی -
جاوید می یابند.

باز هم تنگبر، گل سرخی از گلستان -
خلقهای ایران رسود! پنجم دیماه جلاان
رژیم خونخوار جمهوری اسلامی به خانواده
رفیق شهید خاطره جلائی تلفنی اطلاع
دادند که دخترتان در حمام اوین خودکشی
کرده است!! زهی بشرمنی، تعامی کینه ها
و نفرت خلق شایران جلاان جمهوری اسلامی
باد.

آری بدستگونی خیر شدیم که رفیق شهید
- مان خاطره جلائی بجرم وفاداری به خلق
قهرمانش، بجرم عشق به کارگران و -
زحمتکشان، بجرم پاسداری از برجست
برافتخار سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران، در زیر شکنجه های جلاان مسلمان
به شهادت رسیده است.

رفیق شهید خاطره در سال ۱۳۲۹ در -
اردبیل متولد شد و در پنج سالگی سیاه
خانواده خود به تهران آمدند. رفیق در
بیرونه قیام بیمن ماه چون قطره ای بس
دریای خروشان خلق بیبوست و با شور تمام
در تمامی حرکت های توده ای بطور موثر -
شرکت جست و بعد از تشکیل ستاد سازمان
هنگاری خود را با سازمان آغاز کرد و ابتدا
با رفقای بینگاه همگاری نمود و بعد در -
را بطنه با یخی از تشکیلات سازمان بس
بیشتر وظایف انقلابی خویش همت گماشت
و زمانیکه فریسم در مرکزیت سازمان -
غالب شد. رفیق با کسب های انقلابی بر علیه
فریسم خاست بسینه و بر علیه جریسان
انقلابی درون سازمان موضع گرفت و
بس از استعفا همچنان در کتار سازمان
به خط می انقلابی آن وفادار ماند.

در جریان تدارک مراسم ۱۷ بیمن
رفیق با اسرا از خودگذشتگی کسب های
فراوان قابلستهای خود را برورداد و
چندین روزی با بی از ما مذاکرات نگاه
در محلات جنوبی تهران به یخش اعلامه ها
و تزارک های سازمان و گرفتن بلاکارت
برداشت. روز ۱۷ بیمن، گلوله دزخی
برگوشه اش نشست و رفیق را زخمی نمود و

در جریان تدارک مراسم ۱۷ بیمن
رفیق با اسرا از خودگذشتگی کسب های
فراوان قابلستهای خود را برورداد و
چندین روزی با بی از ما مذاکرات نگاه
در محلات جنوبی تهران به یخش اعلامه ها
و تزارک های سازمان و گرفتن بلاکارت
برداشت. روز ۱۷ بیمن، گلوله دزخی
برگوشه اش نشست و رفیق را زخمی نمود و

گرامی یاد خاطره فدائی شهید رفیق فرهودروائی



رفیق فرهود در یک خانواده زحمتکش
در تهران متولد شد و پس از گذراندن دوران
کودکی، بدلیل شرایط نامساعد اقتصادی
و برای امر معاش خانواده ات محصور
به کار کردن شد. رفیق در کنار خسان
بساط محقری - نشکها از طریق آن به -
افتخاد خانوادگی میگرد و همزمان
با کار به تحصیل نیز میپرداخت و محصل
سال سوم نظری بود. اما در سال تحصیلی
جدید بدلیل فشار حاکمیت تاچاره تشرک
تحصل شد.

رفیق فرهود در بخش دانش آموزی
سازمان فعالانه وظایف انقلابش را به

پس میسر و با شور و شوقی وصف نا پذیر
و با ایمان به بیروزی کارگران و
زحمتکشان اهداف سازمانش را تبلیغ
میکرد. شعارهای که بکمک رفیق فرهود
بر دیوارهای خیابان آزادی و کارگر
و منطقه بسطیل نوشته شده است علیه فریم
تلاش مذبحانه حاکمیت هنوز با قیمت -
رفیق شهید فدائی خلق فرهودروائی -
فکش به سزائی در سازماندهی تیروهای
انقلابی در محله خود و همچنین مدرسه اش
داشت. جریان دستگیری رفیق بدین
صورت بود که پس از پایان یک درگیری -
بین مجاهدین و پاسداران هنگامیکه
رفیق از خسان مصدق عبور میکرد مورد
سوزن پاسداران سرمایه قرار گرفت و
با زدا شد و به همراه رفیق عبدالحمید
اسرا همی روز ۲۴ آذر به جودا عدم
سپردند و پس از دوران رژیم خمین
شهادت را به وسیله تلفن از اوین (رضه
جلاان قدیم به جلاان جدید) دادند.
با تده خلق قهرمان ایران انتقام
او همه انقلابیون را از رژیم جنا بنگار
خمینی باز ستاند.

یادش گرامی و راهش بر رهرو باد

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، ترور، شکنجه، زندان نابود باید گردد